

آیا بحسب او را باید ریخت یا مدرسه و امثال آن باید بنام او باز شود

(۴) این یادگار در کجا باید بنام عباس آقا قائم شود در تبریز یا طهران و یا جای دیگر.

(۵) اداره حبل‌المتین سیصد روپیه که عبارت از یکصد تومان باشد شرکت در دفتر یادگار عباس آقا مینماید و صد روپیه نیز شخص موثقی وعده نموده بهر کس بگویند فرستیم، و بهر مصرف که میدانید برسانید

(۶) دفتر یادگار بجه ترتیب باید باز شود، که مورت سهوات اعاه دهندگان در هر جا باشد

مستدعی است که بتوسط جرائد مایه و یا بوسیله مکتوب مستفسرات بنده را جواب فرمائید (عقیده نگارنده این است جوایک منتهای جود را به بدل وجود در حریت مات نموده قدردانی را شایسته آن است که از قابل وجه مضایقه نه نموده، یادگار اورا علی ای نحوکان قائم دارند، و اقل شرکت را هم يك قران قرار دهند که هر کس بتواند شرکت نمود)

خدا خیر کند

مخبر روتر بتاريخ دوم دسمبر مطابق ۲۵ شول از طهران خبر میدهد که اعلیحضرت محمدعلی شاه رسماً بمجلس مقدس شورای ملی اعتراض نموده که وکلای محترم خواه بخواه تصرفات بیجا در اختیارات و حدود شاهنشاهی مینمایند، وکلای محترم ملی انکار از تصرف حدود شاهنشاهی نموده در ضمن بر ذات شاهانه ایراد گرفته و الزام وارد آورده اند که در انتظامات ملکی بی کفایتی بخرج داده تقصیر از اجرای وظائف خود مینمایند

ترجمه روز نامه پانیر

روزنامه پانیر که بزرگ ترین جرائد یومیه انگلیسی هندوستان است، و در یدان سیاست گوی مسامت از غالب جرائد انگلیسی بوده در ذیل تلگراف فوق چنین می نویسد

« پس از اینکه مجلس ملی ایران از ترتیب قانون اساسی فراغت حاصل نمود، و شاه در مجلس آمده به پیروی آن قسم یاد کرد، برخلاف توقع هر يك ازین دو هیئت آن دیگر را الزام تصرف در اختیارات خود میدهد و وکلای خیرخواه مجلس شاه را در عدم اعمال

وظائف خود تصور مند میدانند، ازین مخبرات شاه در رفتار وسلوک خود تغییرات لازمه را داده مات هم اعتماد و اعتبار خود را بذات اقدس شاهانه اشتهاار داده اند، ولی این اعتماد و اعتبار بمجلس ملی بشاه تاکی باقی ماند نمیتوان حکم صحیح نمود، ظاهر است صبر شاه را هم حد و درجه است، و وکلای مجلس ملی هم ناچار باید در وضع قوانین مواد پانیکی را بکنجانشند، تاکنون نمیتوان بقین نمود که مجلس ملی ابراف ناچه اندازه باختیارات خود قانع خواهد گردید، در مستن واقع شورای ایران وظیفه خود را منحصر به ترتیب قانون نمیداند، و منتهای وظیفه خود را نظارت روز را نمی یابد و فقط جرائم درباریان را انگریز نمیکند، بلکه جمیع اختیارات را از اول تا آخر بقبضه خود میبخراند درین صورت آنها هر چه میکنند باید از طرف مات باشد، پس مات را چه جای شکایت باقی است؟ آیا مجلس ملی ایرانی قتل و غارت و آزادی را توام شناخته است؟ آری آزادیهای پلیدی جز باتلاف نفوس میسر نشده است، بدون شبهه انقلابات و اغتشاشاتیکه در سایه مجلس ملی پیش آید بهتر است از ظلم و تعدیانیکه در ظل سلطنت خود سرانه بوقوع پیروند، حالات امروزه ایران روی هر فته نیکو به نظر میرسد، اگر چه کسانیکه از دور نظر به پیش آمد ایران دارند علامت نیک مشاهده مینمایند چنانچه روزنامه طمس لندن در مقاله خود چنین اطمینان میدهد « حالا میتوان گفت که مجلس ملی ایران برای چند روز نیست در سایه این مجلس ملت را ترقی و بهبودی سلطنت نمودار است » (سرطارتیر دیورند) (که سالها سفیر انگلیس در طهران بود و امروز واقف ترین رجال انگلستان بحال ایران بلکه تمامت آسیاست چنین رأی خود را ظاهر میدارد) « این وقت خوش موقع و حلقی در ایران نمایان و ممکن است که مجدد شخصی مثل مادر در جماعت بهادران پیدا شود، که در مشرق ایران را دارای يك قوت صحیحی قرار دهد، این نکته قابل اطمینان است که اگر تاکنون نادرشاهی در ایران پیدا نشده جماعت بهادرانیکه چون "در شاه شخصی را پیدا نماید موجود است، (کتابه از مجلس ملی)

دیگر از حراند ذیل تلگراف چنین می نویسد .  
 « بادشاه جوان ایران گویا از وضع زمان بکلی بیخبر و  
 از پیش آمد ترقی امم یکدفعه بی خبر است . که هنوز  
 رفتار خود را مانند لوتی شانزدهم فراسه با گفتار  
 خویش مطابق نموده ، ازین رو اغتشاشات ایران روز  
 افزون است . و رعایای فقیری دست و پا را که هیچ  
 گناهی ندارند مانند گوسفند سر می برند ، و گویا دولت  
 باین تدابیر میخوابد ملت را از خواهش آزادی توبه  
 بدهد ، عاقبت همین نکته که مبنی بر عدم اطلاع دولت  
 است سبب جری شدن ملت بر سلطان خواهد گردید  
 و رفته رفته مانند فرانس منجر خواهد شد ، بجزمانیکه  
 در سایر ملل بیدار گردیده است

( حیل المتین )

شاهنشاهان تا کنون بالغ بر سی مرتبه در این نامه ملی  
 بذات اقدس خطاب شده بی ساخته و بدون پیرایه  
 حسابات خیرخواهانه خود را به پیشکاهت عرضه داشته  
 و یگان یگان پیش آمد ایرارا نگاشته ام ، متأسفانه جناب  
 تصور می نماید که گویا مفرضین نگذارده عرائض  
 خیرخواهات بسمع مبارکت برسد ، و یا بدبختانه رسیده  
 اثر نکرده است

شاهنشاهان این ملت شاه پرست که خون های عزیز  
 خود را در رکاب اجداد ریخته و سلطنت را درین  
 دودمان قائم نموده از ذات اقدس متوقع نیستند که  
 در تحصیل حقوق مشروع شاه اینقدر ماح تراشی  
 شود ، و مانند گوسفندی گناهان را سر به برند ، و  
 اموالشان را غارت کنند ، و اولادشان را اسیر سازند ،  
 و اجساد گشتگانان را در آفتاب انداخته جرئت بر  
 غسل و کفنشان نداشته باشند

شاهنشاهان جز شاه پرستی جبلی این ملت نجیب را  
 هیچ چیز مظلوم نساخته و هیچ قوتی مقهور نهموده ،  
 يك مشت دولتیان خائن در مقابل جهل کرور نفوس  
 ملت هیچ از دستشان بر نیاید ، اگر خدای ناخواسته  
 این ملت صبور از ظلم و عدوان دولتیان که همه بنام  
 اقدس تمام می شود ، پیراهن شکیبائی را چاک زنند  
 بر بیگناه و با گناه نخواهند بخشید ، و اگر از ندانم  
 کاری سر این رشته کم شود دوبار بدست نیاید تاریخ  
 مایه عبرت است باید خواند

شاهنشاهان دولتیان خائن خود غرض درین آخر  
 وقت نیز زهر عداوت خود را بکام مبارکت ریختند ، یعنی  
 آن نام باندت که تالی میکادوی ژاپون در عالم سمر شده  
 بود ، در پهلوی لوتی شانزدهم فراسه میخوابد بگذارند  
 اینک تمام جراثیم خارجی از دوست و دشمن سیرمات ایران  
 را تمجید نموده و به تمجید مینگارند ، و ریادتی دولتیان را  
 می نویسند ، و با کمال تأسف سرزاش و توبیخ می نمایند  
 دعای ما هماره این بوده و هست که خداوند بر صبر  
 ملت بیفزاید ، ولی چه توان کرد که لجه اهالی  
 دال است بر اینکه صبرشان خالص پذیرفته ، باید دعا کرد  
 خداود رأفت و مهربانی بذات شاهانه کرامت فرماید ،  
 که دولتیان پیش ازین نتوانند بر شیشه صبر ملت سنگ زنند  
 شاهنشاهان - دوست میگویند ، و دشمن سکوت

میکند این خادم اسلامیت بر حسب وظیفه خیرخواهی  
 بی ساخته و در کمال سادگی عرض می نماید که پس  
 ر تکمیل قانون اساسی و مصای شاهانه و آمدن  
 اعلیحضرت محسن مقدس و بر طبق آن سوگند یاد  
 نمودن کارم - ر وظیفه تمام شد ، یعنی شیشه آرمان حائنین  
 که عبادت از حربه خارجه بذات اقدس بود محاک شکست  
 و تمام ملل و دول از دوست و دشمن دولت ایران را  
 مشروطه تسام نمود ، و اعلیحضرت را پادشاه ایران  
 بر حسب این قانون اساسی میدهند ، بعبارة بسیار ساده  
 ملت و دولت ایران بحال خود واگذار شده و قانون  
 بین الدول بهیچ دولت جاری نمیدهد که در امور داخلی  
 چنین نکند هیچگونه دخالت نماید ، حالا باید دید يك  
 مشت دولتیان خائن که اکثمت شمارند آیا میتوانند غلبه  
 بر ملت حاصل نمایند ؟ حاشا وکلا این ملت توفیق مطیع  
 و ساکت اند که دولت و دولتیان بوظائف خود عمل نمایند  
 و اگر خدای ناخواسته مأیوس شوند در يك آن همه  
 را سر ننگور و زیر و زبر خواهند نمود

شاهنشاهان - يك طایفه از قانون اساسی خیلی قابل  
 نظر دقت است همواره ملاحظه بابد داشت (سلطنت و دیمه  
 است که از طرف ملت بشخص پادشاه مفوض شده )  
 بر حسب این سل هرکس هرچیز بکسی دهد میتواند  
 هم بگیرد ، این حکم بحرامان یعنی خائنین دور دائره سلطنت  
 گویا از تاریخ مال سازه که مثل ایران یا بداره حریت  
 نهاده بهیچ وجه آگاه نمی باشند ، و یا آگاهند ولی

اضراض نفسانی آنها را کور و کر ساخته، که نه بر خود رحم می نمایند و نه بر ذات اقدس ولی نعمت بی منت خویش بخدا همین قیدل اشخاص بودند که دور لوی شانزدهم را احاطه نموده کردند آنچه کردند

شاهنشاهان ملت صدور بحیب غبور ایران از خواب بیدار شده و میتوان گفت مانند ملل صد ساله بیدار بی همزار و منافع خود برده، و در کلی و جزئی امور خویش نگرانند و در حفظ حقوق خود از هیچگونه سربازی دریغ نمیدارند، تحمل شام تا این درجه بر حسب شاه برستی جیلی بوده و هست، نه از روی عجز و ناتوانی، اگر خدای ناخواسته صبر و شکیباییشان تمام شود روز رستاخیز برایشان می شود، و دمار از روزگار متجاوزین و خائنین خود بیرون می آورند

شاهنشاهان - بحقوق بدراجدارت ملت ایرانیه سوگند که خائنین دور دایره سلطنت با اندازه خود غرض و حقوق ناشناسند که از برابری ملک و ملت و تباهی سلطنت ایران هیچ باك ندارند، اینها همواره اغتشاش و انقلاب ایران را خواهانند چه در همین انقلابات بار خود را بسته و می بندند، ضرر کلیه انقلابات در درجه اول راجع بذات شاهانه و خانواده سلطنت، و در درجه ثانی بملت وارد است با این همه خائنین نباید غافل باشند که آتش این انقلاب را که امروزه دامن میزنند دامن آنها را هم گرفته خانهاشان را خواهد سوخت

شاهنشاهان - خیر خواهانیکه دور بسته و تماشای می کنند و در تاریکی روشنائی می بینند هیچ عرض جز سلامتی و ترقی ایران ندارند، در این انقلابات عاقبت بسیار و خیلی ملاحظه میکنند، هنوز هم رفع این غائلت منوط بتوجه ذات شاهانه میباشد، و جلو گیری آن آسان ولی خدای بخوایسته اگر نیران مخالفت ملت زبانه کشد هیچ آب تدبیر خوااموش نتواند شد، و هزاران خاها و خون هزاران بی گناه را خواهد ریخت خداوند آن روز را در ایران پیش نیارد

### تلمکرافات

( ۲۲ شوال - ۲۹ نومبر )

در مجلس شورای ملی فرانسه با اکثریت آراء قرار گرفت که از دولت خواهش شود جهت انتظام

قوای بحری قانونی ترتیب داده که در عرض چند سال قوای بحریه فرانس را تقویت کلی حاصل شود ( مونشیور نامس ) اظهار داشت که دولت آلمان همواره در خیال ترقی دادن قوای بحری خود میباشد تا با قویترین دول بحری مقابله تواند کرد در اینصورت دولت فرانسه باید آتی غفلات نماید - ( ۲۳ شوال - ۳۰ نومبر )

§ ( پرنس بولو ) در ( رستچک ) از طرف دولت آلمان لشکر از قامبیل پادشاه انگلستان عبور کرده حضار صدا هارا به مسرت بلند نمودند ( پرنس بولو ) سپس اظهار داشت که این ایام رشته اتحاد بین دولتین آلمان و انگلیس مستحکم گردیده است -

§ وضع حالیه ( تانجیر ) مورث بریشانی واضطراب اهالی فرانس شده با عجزه تمام قشون امدادی در آن حدود روانه می کنند در آنجا جماعت کابیری از اعراب با اهالی الجیریا متفقاً اشلاع ( کاس ) را محاصره نموده ولی تا کنون توپهایی کوهی دولت فرانسه جلوگیری از پیش قدمی دشمن کرده است -

§ در ( دوما ) ی روسیه وقتیکه ( مسیو استواین ) اظهار داشت که قدرت خود سری امپراطور روس اغتشاش مملکت روسیه را دفع خواهد نمود - از اجتماع این مقوله از احزاه ( دوما ) هفت فوق العاده ظاهر شد -

§ تلگرافی از ( پیتز مارتیز برگ ) رسیده که سباه دو طلب آماده و روز دو شنبه بسمت ( زولولند ) فرستاده خواهند شد تا در آنجا در انتظام پاپس مددگار باشند -

§ در مقام ( سیدیالیسه ) جنگی واقع شده قشون فرانسه با شلیک توپ و مشقت و زحمت زیاد ( ۳۵۰۰ ) سواران ( مراکو ) را هزیمت دادند - ( ۲۴ شوال - اول دسبر )

§ امپراطور آلمان در ( های حکف ) ( ۱۷۸ ) فر شاگردان مدارس را به مصراة دعوت نموده - بدست خود تقسیم شیرینی آنها نمودند -

§ تلگرافی از ( هیفکس ) رسیده که محکمه عالیة عدلیة ( نووا اسکوشیه ) مجرمین چینیان را که مجرم ندادن عوارض ( ۵۰۰ ) دلار هر شخص گرفتار

شده بود رها نمود، محکمة مذکور رأیش این شد که این قبیل عوارض باید با قساطر گرفته شود، و از ادا نمودش هیچکس را سزای قید نمیتوان داد. محکمة نیز اشاره نمود بر اینکه مجلس شورایی ملی غرضش این است که ندادن عوارض مذکور هم يك جرمی قرار داده شود اما الفاظ و عبارت این قانون جرمی وارد نمی آرد

§ (مستر هالدين) در (اولدهام) اظهار داشت که قشون دو طاب انگلستان در تعلیم سه چهار سال بجمدی قابل تواند شد که کادرها را مورت تعجب گردد § در بنک (جیگاگر) امریکا از طرف دوهزار بنک صریض رسیده که معجلاً داد و ستد وجوه شروع شود، امید است که چنین اقدام به نیاید (۲۵ شوال - ۲ دسمبر)

§ قرار یافته که فردا قشون جهة گرفتاری (دینی زولو) رهسپار شود الآن باوی (۵۰۰) نفر مردان جنگی همراه اند ولی اسلحة شان ناقص است § در سرحد (مراکو) بین قشون فرانس و (مراکو) روز شنبه مجدداً جنگ واقع و (۸۰) نفر از مراکویان مقتول و بسیاری مجروح شده و قشون فرانسه تقماتی وارد نیامده است

§ (جنرال لیبانی) قشون خود را منقسم به سه قسمت نموده تا از سه طرف بر مراکویان حمله نماید § در (نیویارک) دوازده هزار خاوار روز شنبه به سمت اروپا رهسپار شدند، عده مزدوران که مراجعت کرده اند تا کنون به شصت و نه هزار رسیده و این دلیل بر قلت کار است

§ مخبر (روتر) از (هانگاگ) خبر میدهد که نه کشتی موشک شکن تعمیر می شود که حفاظت دریایی (کنتان) را از زپ و غارت به نماید، در (کنتان) انجمنهایی زیاد منعقد و شورای نموده و در (بگن) عرضداشتی پیش کرده اند که شوارع بحری بدست خارجه داده نشود

§ انگرانی از (پترسبرگ) رسیده که مجلس (دوما) توقیف شد از این رو (رودی چیف) کلونید (مسیو استولین) را طاب نام نهاده هوا داران استولین خواستند (رودی چیف) را آزار کنند خبر خواه

رودی چیف بمدد برخاسته او را رهائی دادند، (رودی چیف) ۱۵ روز معطل شد با وجود اینکه معذرت هم خواسته بود

§ بتاریك ونیم ملیون طلا جهة امریکه خرید شده است § وکلای دو اتین باژیک و کانگو بر عهدنامه دستخط نمودند (کانگو) را تحت الحکم (باریک) قرار دادند (۲۶ شوال - ۳ دسمبر)

§ (۲۰) نفر از باغبان (ولادی وستک) بسزای قتل محکوم و (۱۷۷) نفر را سزاهای مختلفه داده شد § از واشنگتن خبر رسیده که مجلس شورای ملی منعقد و فقط امور معمولی انجام یافت، (مستر کورنیابون) تخمیناً بودجه دخل و خرج سال (۱۹۰۸) را در (۷۷۶) ملیون دلار پیش نمود، اضافه سنه (۱۹۰۷) نیز در این شامل است

§ (سرهری کبیل نرمن) وارد (بیارید) گردید § تاکرانی از (واشنگتن) رسیده، که بین (وایکاوت ایوکی) و (مستر روزیوات) رئیس جمهوری امریکا و (مستر روت) درباره مهاجرت ژاپونیان در ملک خارجه خاصه امریکا گفتگوئی شده، متفق الرأی گردیده اند که احداث قانونی در این امر لازم نیست § (مستر تفت) وارد (پترسبرگ) شده، فردا با امپراطور در (زاراسکوی سیلو) ملاقات خواهد کرد، § بموجب خبریکه از (واشنگتن) رسیده جهة خزینه دولت (۲۰۰۰۰۰۰) (اونس) نقره خرید شده § در مقام (سائیبوب) ۵۴ حاجیان مرض وبا مبتلا و ۳۶ نفر هلاک شده اند

(۲۷ شوال - ۴ دسمبر)

§ در (زولوند) (مارشل لا) یعنی قانون جنگی جاری شده چه خوف بی نظمی زیاد بود قوای حربی (زولوند) سی هزار است که بسیاری از آنها تفنگ ندارند بغاوتی بزرگ بنظر می آید در آنجا پیش آید § محض تهیت ورود (مستر تفت) در (پترسبرگ) اهالی امریکا مجلس نموده، مشارالیه اظهار داشته که فعلاً دولت امریکا با هیچ دولت طرف جنگ نیست چه دولت امریکا هماره جویای صلح و مسالمت است § در (مسکو) بر (جنرال گور جهاان) فرمانفرمای آنجا زنی نارنجکی برانده، فرمانفرما را ضرری نرسیده

§ نواب اشرف والا آقا خان سرور از (مارساس) بزم هند رهسپار شدند

§ تلگرافی از (کنساس) امریکا رسیده . که بنک ملی و تجارتی از ادای وجه انکار کرده . بده بنک مذکور ۲۴ میلیون (دولر) میباشد . بعد از این انکار بموجب حکم نامه (مستزکورتاین) از جمیع شعب بنک مذکور فهرست دیون را طلب کرده

§ اخبار - صحیح (زولولند) و ذهاب و ایاب قشون را پوشیده داشته و با کاک هوشیاری بعضی اخبارات اشاعت داده می شود جهة حمل لوازم اردو قاطر بکار نمی آید گاه پیش محای قاطر استعمال خواهد شد ، و با هم در مواشی سرایت کرده است

### اعلان

تاریخ سرجان ملک مصور که نقشه ایران را هم داراست بطبع اعلی ، کاغذ و خط خوب ، در نمبر ۱۶ وکتوریا رود - کریس لین ، مازگام ، بمبئی . نزد آقا میرزا محمود صاحب تاجر کاشانی ، و در اداره جبل المتین کلکته بقیمت دوازده روپه بفروش میرسد ، اجرت پست بر ذمه خریدار است بهر يك از این دو مرکز میتوانند رجوع نمایند ، نقشه ایران نیز علیحده بقیمت دوروپه بفروش میرسد - نیز ایضاً

یومیة جبل المتین با مسلك و مشرب پانزده ساله خود در طهران اشاعت می شود ، هرکس در هندوستان طالب باشد در کلکته با اداره جبل المتین - و در ایران و سایر ممالک خارجه به (طهران - خیابان لاله زار - اداره یومیة جبل المتین رجوع نماید - قیمت سالانه در ایران سوای طهران چهل و پنج قران و در ممالک خارجه معمولاً سی فرانک است

کالسکا چی وغیره مجروح ، و اسبها هلاک شدند زن هم خود را مجروح نموده قریب الهلاک است § پادشاه و ملکه (اسپانیا) بوطن خود مراجعت نمودند

(سردبلیو کوربر) در (آوا) ضمن اطلاق خود سرکردگان هیئت مخالفین را بزشتی یاد کرده گفت ، اقداماتی نباید به نمایند که مبنایت با عهد نامه دولتین انگلیس و ژاپون داشته باشد ، و بعبد است از شئون رئیس جماعت که جهة تشمیر خود ننگونی و بهبودی مملکت را محدود خواهد

(۲۸ شوال - ۵ دسمبر)

§ (جنرال بوتها) از ترسول و عده کرده که در اغتشاش (زولولند) مدد خواهد نمود § پادشاه (سوید) بشدت تمام علیل است به وایمهده امور سلطنت سپرد نموده است

§ دولت روس قانون شکر را امضا نمود ، و ترمیمی در این قانون نخواهد شد ، رفتنی شکر الی سنه ۱۹۰۹ (۲۰۰۰۰۰۰) تن خواهد ماند و بعد ها (۲۰۰۰۰۰۰)

§ در (امریکا) بواسطه قلت وجه و خریداری طلا سود بنک تنزل نمی نماید

§ تلگراف (پترسبرگ) ظاهر می شود که امپراطور روس (مستزمت) ملاقات کرده ، و (مسیو ادویسکی) مشارالیه را دعوت کرد

§ سفیر دولت امریکا عرضدهتهای متعدد از افسران روس که رجزبره (فلپین) و بحر (سفیك) مستند قبول شرکت در قشون در طاب را نموده یافته است

§ دیروز مجلس شورایی ملی آلمان تعطیل شد ، (هرپیشی) حکومت را در بی نظمی قشون متعسر نموده § شورش عجاجات کارخانه بنیه (لانکاشایر) بر طرف

گردید اهالی از زحمات (مستزولودجارج) متشکر اند § در شورای ملی آلمان بین سرداران طوائف تکدر پیدا شده بود زائل شد ، همگی و عده همراهی با بلتیک (برنس بولو) را نموده اند

(۲۹ شوال - ۶ دسمبر)

§ پادشاه و ملکه (اسپانیا) از طرفان آبنای طمس دوچار زحمات شده ، فسخ عزیمت از رفتن (روشبله) نموده در (بورمو) فرود آمدند

آزادی، مملکت موافق آزادی انسانی

خلفت بی نوع انسان آزاد است، چرا انسان آزاد است؟ بجهت اینکه ما فوق انسان يك قانون طبیعی است که مجبور میبکند حریت انسان را هر چیزی که حقیقت دارد هم از برای انسان حقیقت دارد، و هم از برای انسانیت، هر امتی که مطیع قانون طبیعی نباشد مسلماً از درجه انسانیت خارج است. هیچکس منکر آزادی خود نمی توان بود بدون اینکه از ما سؤال کنند از برای چه آرادیم؟ بدون مدهمه احساس حریت خود را میبکنیم واضح تر اگر دست خود را بطرف چپ و راست حرکت دهیم این حرکت اعضاء نیست مگر تحت يك قانون (فزیک) که بواسطه آن محتاج به حرکت اعضاء خود میباشیم، هیچ چیز شاهد بر این مطالب غیر از وجدان و عقل انسانی نیست، هر که منکر باشد باید منکر تمام اشیاء شود، ما محتاج آن نیستیم که افلاطون یا ارسطاطاليس با خبر دهد که شما بی نوع انسان آزادی، خود الهام عیبی بصدای بلند فریاد میبکنید که ای مردمان ایران، ای غیرت مندان! هوش، بیدارید و آگاه شوید هر چه نفاق کذب سبب ضعف شما است و هر چه نفاق کذب محبوب تمام عالم خواهد بود.

مثلاً اگر داخل خانه شویم و مطمئن باشیم که کسی حاجب ماورای نیست و مشغول سرقت گردیم دوری اعضا همان متزلزل و خود را میبازیم که شاید در بین کسی پیدا شود و سبب قتل من گردد، پس خوف انسان در وقت سرقت سؤال می کند که عادت این مملکت ما در این قرن یا ترتیب این زمان اقتضای درد له نباید دزدی کرد، بلکه طبیعت شخص و ذات انسانی منع میبکند که نباید دست درازی بخانه مردم نمود، و مال مردم را سرقت کرد، اما بخلاف نمی دانم چطور اتفاق افتاده که جنس ایرانی را با سرقت خیره زدند که همیشه میل داریم که دست بخانه مردم و بهاموس مردم دراز کنیم، بلکه الا تر عرض کنیم که عادت این مملکت بحیب از عالی گرفته نادانی بر این شده که متزکیب این عمل شایع شود، اگر کسی سؤال کند که چرا دزدی می کنی؟ در جواب میگویند که برو از صدر ما

سؤال کن و حق هم دارد، زیرا جزء تابع کل است، دیگر دزدی بالاتر از این میشود که دولت از خارجه بول قرض کند از برای مصارف دوا بر مملکتی، ولی جناب فلان و فلان . . . . . عوض از دیاد قوه دولت بمصرف سفر های فرنگستان و خانم ها شوخ و شنک برسانند.

بالاخره از مطلب دور بیوقتم، باید اقرار کنیم که بی نوع انسان آزاد است و آزادیش تحت قانون طبیعی میباشد، چنانچه خداوند با خبر داده (السارقه والسارقه فاقطعوا ایدیها) و قتی که بال مردم می رسید کمال احترام کنید، مثل مال خود فرض کنید، و قانون شرع انور محمدی (ص) را اجرا داریم، دیگر فلان وزیر و بهان دیر نمی تواند حیب خود را بر کند و باسم مکة معظمه بطرف فرنگستان رود، بول دولت و ملت بیچاره را برای هیچ خرج کند.

یادم آمد در یکی از روزنامه های اروپا دیدم نوشته بود که فلان رجال دولت علیه ایران در یکی از قار خاها های اروپا يك مبلغ هنگفت ساخته بود، آیا این با دین و بی انصاف اگر عوض اینکه مبلغ هنگفتی را بیسارده يك مدرسه در ایران و وطن عزیز خود برای اطفال یتیم بنا میبرد چه ضرر داشت؟ یا اینکه آصف الدوله اولاد وطن عزیز خود را فرود شد، عوض آن بارک و میل خانه زیاد کند، و ملت و وکلای مجلس دنبال این مطالب را نگیرند، اما بخلاف فلان بیچاره که میخواهد يك امر خیری به کند فوراً دنباله آنرا میگیرند تا اینکه دست از کار بکنند.

قدری این مطالب تشریح لازم دارد بیسایم فرق گذاریم بین آصف الدوله با جناب استاد جعفر خیاط باشی مخترع نوب مسلسل، که این بیچاره با چه زحمات فوق العاده این نوب را ساخت و وارد اترلی جلومظفرالدین شاه مرحوم دخیله داد، آخر معلوم نگردید که چطور شد، اما آصف الدوله بجهت های وطن عزیز را به اسیری فرستاد در صله این خدمت بوزارت داخله نازل آمد (بهین تفاوت ره از کجا است تا بکجا) این بیچاره در صده از دیاد آزادی مملکت بود، و آن دیگری در صده فساد مملکت.

بالاخره اگر انسان آزاد است باید انسانیت هم آزاد باشد، اگر انسان مطیع قانون باشد انسانیت هم باید مطیع قانون طبیعی باشد، هر چیزی را ملاحظه کنیم از رای می او ضدیت است، اگر شخص آزاد طلب آزادی دیگران را کند از برای او هزاران دشمن پیدا می شود، مثلاً اگر يك نکره بگوید که چرا باید در مملکت ایران قانون و عدالت باشد، در جوابش میگویند معنی عدالت چه است، و قانون مملکتی کدام است، چنانچه یکی از اجله بعزم تحصیل بیرون شده جوی از خود حضرت دوران را گرفته سؤال از حادثات طهران و سایر بلاد ایران می کنند چون این مرد محترم عالم بواقعات ایران خوب بوده در جواب گفت: لحذائقه از فضل علی ابن ابی طالب ایران از استبداد مشروطیت و مجلس شورای کبرای ملی مبدل شده، ظلم از میان رفته و قانون مساوات بهیجان آمده، در جواب آخرد محترم آنجدهان عظام فرموده اند، که چه خوب بوده این ظلم همه قائم مابدی، بجهت اینکه یکی از اعلام طهران حضرت امام عصر عجل الله این است که ظلم عالم را فرو گیرد، تا حضرت حجة الله ظهور کند، اما این غرضای ایران و تبدیل مستبد به مشروطه سبب تأخیر ظهور حضرت حجة الله (ع) گردیده است.

اف بر این روزگار تف بر این بی حیثی که میگویند قانون مساوات سبب تاخر ظهور حضرت حجة الامر (ع) میشود، دیگر می دانند که اگر صاحب الامر ظهور کند اول گردن خودشان را می رند و بدرك اسفل شان می فرستند.

ای دانشمندان مملکت ایران، ای مردمان باشعور مملکت عزیز، ملاحظه فرمائید تحصیل چندین ساله مفرضین را که میگویند حضرت مبل دارد ظلم عالم را بگیرد و دین مبین اسلام زبردست مستبدان باهمال شود، و راضی نمی شوند که حقوقشان را بطور قانون شرعی بدست شان رسیده مبل نمایند، آه بی که منکر عدالت و قانون مساوات آمد يك رو بندی هم روی صورت خود نه می گیرد، عبارة آخری خود را کور و کر محض فرض می کنند، می گویند عدالت یعنی چه، قانون مساوات کدام است، باید بدر ابرایشان را در

آورد، و آنها را خار و ذلیل بدست اجانب داد، ناموس شان بیاد رود و همیشه بگویند هرچه خدا خواست همان میشود و ما را مدخلیتی در امورات الهی نیست، بگذار تا فلان و فلان بدرت را در آرد، تو بگو توکلت علی الله، گرسنه بخواب، بگو خدا هرچه خاسته، ناموست بیاد رود بگو کار خداست، فلان آخوند رشتی و شیخ نوری بهین جبهه سبب اختلال مجلس شدند باز هم ما باید بگویم عیبی ندارد، باباجان اگر شما آخوند رشتی را نمی شناسید بنده خوب می شناسم بخدا قسم وقتی که این وجود وارد رشت شد قول رشتی ها همت قونی بریح که عبارت از بیست و چهارهمن شاه باشد حاصل مالکی داشت، حالا هفت هزار قونی شده، از کجا آورده؟ از مال مردم بیچاره، فلان که وکیل مجبوری رشت محسوب است باید جز از مستبدین ایران همراهی نکند خبر صحیح دارم که . . . . . الدوله به فلان وکیل اخباری اطلاع داده تا هزار سال هم که در طهران باشی محارجت را بپهده میگیرم، و همیشه کیسه های پول است مخفیانه میفرستد، تا اینکه با اینان همراه باشد، و در صد تحریب مجلس مقدس کبرای ملی باطناً اقدام داشته باشد نمی داند اینگونه اشخاص چگونه در رخته در مجلس مقدس پیدا کرده اند بخدا قسم اینها محرب دین مبین اسلامند و خواهران ظلم و استبداد حکایت آنها همان حکایت دسنة قاطر است ما پیش آهنگ شان هر جا که پیش آهنگ قدم زد دسنة قاطر قدم می زند، اگر پیش آهنگ، در معرض هلاکت شود اینها هم هلاک خواهند شد، ای مستبدین ایران اگر خوب ملاحظه کنید پیش آهنگ، قافله نان از میان رفت، وقتی خواهد آمد که شما هم مفقود خواهید شد ما خبر باشید، از ما گهتن است و از شما شنیدن هر که بد کرد بسرای خود گرفتار شد

از رشته خود باز مندم، پس آزادی انسان محتاج بدو چیز است، اول علم و ثانی نروت، علم بدون نروت می شود، نروت بدون علم نشده، و آزادی بدون هیچ باید، چگونه باید تعلیم علم کرد؟ اولاً بدانیم که واجبات حکومت منوط بواجبات رعیت است، و واجبات رعیت منوط بواجبات حکومت، و انصکاک از هم دیگر شاید،





خواستار بود و این دو عالم (شاردن و بسترو، و لاه و آل) حینوبسند شرح احوال اصفهان و احوالات شاه عباس را اولاً اصفهان از حیث هوا و بناء از جمیع شهرهای عالم شهرتر بود و تشبیه کرده اصفهان را به اسلامبول، اگر اصفهان مثل اسلامبول جلوه دریا بود از تمام شهرهایی عالم بهتر بود، قطع نظر از اصفهان شاه عباس دو شهر تازه هم بنا کرده بود، که یکی را عباس آباد و دیگری را جلفا نام نهاد، و طرف دیگر را هم مسکن پارسیان قرار داد، میل شاه عباس این بود که شهرهای جدید را متصل با اصفهان کند، اگر اینکار میشد اصفهان از اسلامبول و روم که پای تخت ایتالیا است بزرگتر می گردید و می نویسد که شاه عباس میل زیادی داشت در ترقی مملکت، وزراء و درباریان در دربار و حکومتش همه عالم و دانا بودند، ایران يك دریای علم صنعت زراعت رحمت عدالت و مروت بود، حالا آنوقت را با این صد سال اخیر قیاس نمائیم بجای اینکه يك با جلوه باشیم مملکت را وسیع کنیم آنها را که از ما گرفته پس بگیریم، دولت را مستقل نمائیم، عوض تمام آنها راضی به تقسیم ایران میشویم که روس و انگلیس برادر وار در تقسیم ایران بکوشند، همچو تصور میکنند که پدرشان که امپراطوری ایران باشد مرده و خودشان را شریک مال قرار دهند

مناقب مولانا

روز جمعه که عید مبارک فطر است در اسلامبول در سفارتخانه علیه جمعی از تجار و کسبه جمع شده و منتظر فرمایشات حضرت سفیر کبیر بودند، حضرت بعد از خطابه های بلیغ فرمودند: - (ای حضرات این قدر سالت که در میان شما میباشم، کدام يك از شما را متضرر ساخته ام، یا آواز بسته میگویم از هر کس يك غمروش گرفته ام دو غمروش خواهم داد)، بنده که رجوع با خطابه های دیگر ندارم با این فرمایش عالی متوسل شده بجناب عالی عرض میکنم، که این آدم پنی و بینا که بسیار آدمی است خوب، بعضی کسان در حق این بچاره بسیار (مواخذه) ها میکنند، مثل صاحب مقاله بمن چه، هره (۱۳) حیل المتین، بلکه اشتباه دارند، بعضی اشتباه هموم ایرانیان و اظهار خدمات حضرت

اشرف را بر ملت ایرانیه به معروضات آنیه را بنظر حضرت اشرف ارفع انعم برنس میرزا رضا دانش خان سفیر کبیر و امیر نوبان ..... الخ تقدیم نموده و منتظر آن میباشم که همچنانکه صاحب مکتوب بمن چه مرفوم فرموده که این آدم فقط با قول اظهار حیات میکنند چنین نیست، بلکه حضرت اشرف با افعال شریفه خود قول مبارکرا که در محضر ایرانیان همین روز گفته تأیید خواهد فرمود، تا بلکه من بعد صفحات مقدس با مناقب و محامد وی معطل نماند. و آن اینست: وقتیکه حضرت برنس تشریف فرمای (دارالخلافه العلیه) گردید، بعد از تبریک و تهنیه ایرانیان یکدیگر را در خصوص کاردانی و شرافت و نوبت و وفات و ملت پروری وی، اولین سامحه که روپداد همان وقته کتابچیان بچارگان بود، مفتشین عثمانی بدکانهای ایرانیان تشریف فرموده چنانکه کیف شریف عالی است دکانهها و مغازه ها را لخت میکردند. کتابچیان بناه برده که ای سفیر ما ووکیل بادشاه ما، تو پشت پناه ما، بجز از شا دادرس نداریم، حق یکی چنانکه تعبیر قدیم ایرانیان است گفته بود، در آسمان خدا و در زمین بجز از تو پناهی نداریم، ما را غارت نمودند. . . . الخ حضرت برنس با کمال تامل فرمودند، اوف، آه، آخر از دستم چه میآید، شما را پیش از من بهمانیان فروخته اند و اینک جلد سوم دستور (شان میدهد) کتابچی، پیش از شما هم ما اینجا بودیم و این کتاب ها هم در ما بود، چرا از ما نمیکرفتند؟

برنس - میگویند کتابهای شما مضر قانون عثمانی است، کتا - ما استدعا داریم که يك حینق در سفارت کبری تشکیل یابد، و کتابهای ما را تدقیق نماید، اگر قدغن و مضر باشد ماها بعد از کتابها بخزای خود هم راضی هستیم.

بر - در اینصورت شما کتابها را بدهید، من بولش را برای شما از عثمانی میگیرم.

کتا - شما تازه تشریف فرموده آئین و عادات اینها را ملتفت نیستید، اگر با دست خود اشرف بول داده باشید از اینها پس گرفتن ممکن نیست، کجا مانده بول کتاب؟

بر - دولت عثمانی بمن و عده داده.

کتاب - قیمت و عددشان معلوم است .  
 بر - در صورت قیمتش را از جیب خود میدهم .  
 کتاب - هر شا زیاد باد  
 بجای عرض خواهم نمود ، کتابچیان کتابها را ندادند و بعضی را که پیش از وقت مأمورین عثمانی گرفته بودند با آنها اکتفا نمودند ، آن کتابچی که از سفارت آمد و ماجرا را حکایت نمود فی الفور کتابچیان دکانها را بستند ، بعد از یازده روز که دکانها بسته و کسی نه برسد این از برای چیست ، بچهارگان بچاره مانده برای « بلدی » عرض حال و شکایت از مأمورین نمودند ، سه نفر از آنها را برای (بلدی) خواسته بعد از اطلاع بحالشان امر نمودند که امروز بروید نزد ناظر معارف و قیمت کتابهای خود را که از طرف مأمورین مصادره شده از ناظر مزبور طلب نماید ، در حالیکه نداد بیاید اینجا ما خواهیم داد ، آمدند پیش ناظر معارف طلبکاری نمودند ، ناظر از دادن امتناع نمود ، دوباره خواستند که برای (بلدی) بروند ، آقا میر کریم کشمیری شان فرقه بیانه اداخت ، که اگر رفته پول کتابها را خود سرانه بگیریم سفیر از ما رنجیده خواهد شد ، پس سلاح درانست که بحضور سفیر رفته و بواسطه شان طلبکاری نایم ، بعضی این سخنان را به رد برخواستند ، ولی عاقبت چنانکه معلوم عالیست خوف بر سائر حواس ما چنانکه در هر جا غالبست در اینجا هم غالب آمد ، و اکثریت بلا تصور تصدیقش نمودند ، و بحضور حضرت اجل افخم . . . . . الخ مشرف شده ، حضرت بعد از خطابه بلیغ که ای ایرانیان الحمد لله من محتاج بآن نیستم که از شما حیف و میل نایم .

کتابچیان هموماً - آمانا

برس - در وقت آمدن از روسیه دو بست صندوق آورده ایم

کتابچیان عموم - ماشاء الله ماشاء الله

برس - من با این قلم کارهایی خواهم نمود که شاه عباس و نادر با آن تیغهای آخته نتوانستند ،

کتابچیان عموم - الحمد لله انشاء الله

برس - بروید منتظر باشید بولهای شما تماماً

بشما برسد

يك نفر کتابچی - درد ما پول نیست ، فقط شرف ما است از دست رفت ، آن کتابچائی که از ما گرفتند همان کتابها را همسایگان ما تبعه عثمانی میفروشند ، و اکثر این کتابها را که بنام قدغن میخوانند ما بالذات از مطبعة دولتی و مأمورین دولت گرفته ایم برس - بروید غصه نکنید .

کتابچیان - خداوند سایه شما را از سرما کوناه فرماید .

بنده عرض میکنم ، بلا هائی که بر کتابچیان آمد جز ایشان بود ، از سفیر شرم نموده مسخره اش نمودن یعنی چه ؟ « خداوند سایه شما را از سرما کوناه فرماید این چه معنی دارد ؟ سایه (عوج ابن عقی ) هم اینقدر البته محدود نمیشد که بر عموم کتابچیان برسد ، چونکه در اینجا و باین سایه اولاد و اقاربشان هم داخل است .

خلاصه - کتابچیان بعد از ماهها « داو طلب » شدند ، حضرت اشرف . . . . . الخ فرمودند که حکومت عثمانی میگوید در ایرانیان کتب مجموعه بسیار است ، شما همه شانرا بدهید تا قیمت همه را برای شما بگیریم . کتابچیان گفتند « ما بیدایم کتابهای قدغن کدامند اسامی شان را با دهند تا تقدیم نایم » . بعد حضرت اجل اشرف . . . . . الخ يك اسامی کتب که قریب به پنج هزار جلد کتاب نوشته شده بود از نظارت معارف عثمانی گرفته و کتابچیان بر حسب آفهرست کتب موجوده خود را تماماً بسفارت تسلیم نمودند و منتظر خدمات حضرت اجل اشرف . . . . . الخ میبودند ، ولی افسوس که چشمها در راه انتظار ماند و شاهد از در نیامد ، آن پولست که برای ایرانیان دولت عثمانی خواهد داد

از خاطر گذشت بعد از آنکه کتابها را بسفارت تسلیم نمودند سه هزار لیرا قیمتشان تخمین نموده بودند دولت عثمانی سه صد لیرا میداد و ایرانیان راضی نمیشدند کار به لیت و اعل گذشت .

تا پیش از دو ماه معلوم شد ~~که~~ جناب مفتاح جنرال قونول دولت عالیته ایران و برادر اکرم حضرت اشرف . . . . . الخ کتابچائی که در قونولخانه محفوظ

است به بجاه ایرا نسبه و هشت ایرا نقد فروخته و آن بجاه ایرا نسبه که حکم بجاه پول ندارد، فقط آن هشت ایرا را بحیب شریف انداخته از آنکه لایضیح اجر الحسین مؤید الاسلاما - بعد از طاق و خطابه ای امروزه حضرت اشرف . . . الخ از سفارت کبری بیرون شده بخانه میرقم در تنای راه ~~کتابچی~~ را دیدم که بر حالش دلم سوخت ماحرا را گفتم که حضرت سفیر چین میفرماید ( که از هرکس يك فروش گرفته ام بیاید دو عمرش خواهم داد ) ماجرا رفته حق خود را میخواستی ، بجزره گفت از دو سبب ، یکی اینکه يك برادر داشتم با سواد بو ، و در بنمت پانصد ایرا کتاب سفارت داده بودیم ، برادرم هر وقت رفته میخواست ، عاقبت غصه مرگ شد ، من بجاه که چندان سوادى ندارم میفرستم به حضور حضرت سفیر رفته کما یلیق نتوانم عناوین مبارکه شز بشمارم و مظهر عتاب شوم چونکه بجزیره های عثمانی تنبیه شده که در وقت نوشتن نام نامیش این طور نویسند ، حضرت اجل اشرف غلامتلو براس ارفع الدوله میرزا رضا داش خان امیر نوین و سفیر کبیر دولت ایران ، البته منم بگفتن همه اینها مقتدر نیستم ، دوم می اندیشم اگر چه با وعده نموده بود که قیمت کتابها را اگر عثمانی ندهد از حبیب خود خواهم داد ، این وعده خود آن وقت وفا نمود که پول بسیار داشت ، الان اینقدر پول که بجزیره عثمانی از برای دگر خویش داده و پولش آن قدر نمانده کجا خواهد وفای و عده کرد ،

گفتم آقا از این خیال بگذر بنا بقول خود در حضرت اشرف . . . الخ مایونها موجود است ،

گفت بابا بروی کارت چنانکه همه عالم میدانشند این آدم از کسی میرت نگرفته و آن قدر مواجب رسانه باین همه مصارف کزف وی میرسد ، این هیاکل شریف و موزه های لطیف و محررین راستگو و جراید صاحب وجدان بال میبخرانند ، پس این مایونها را از کجا پیدا نموده

گفتم بمن چه ، بلکه طاسم سکندر را شکسته و ما از صد خارج شدیم ، بولرا از کجا آورده با چه ، تو برو پول خود را که وعده کرده بکیر ،

گفت من جسارت ندارم ، والان فقیر شدم ،

اگر بروم و شش سال همچون کتابهای بجاه ام مرا حبس نمایند ، کسی نیست ~~که~~ بعد از شش سال من هم هشت ایرا قیمت داده و همچون کتابها از حبس خلاص فرماید ، اگر تو آدم خوبی برو اینها را بحبل المتین نویس بلکه مستحضر شده مرحمت و لطف فرمایند .

چونکه بر این بجاه دلم بسیار سوخته بود از وظائف و لازمه انسابت دانستم ~~که~~ در حبل المتین وقعه را عیناً درج تمام و حضرت اجل . . . الخ احقاق نموده و نام نیک از وی یادگار ماند .

در اینجا دائماً بعد از حضرت اجل از برای آن نقطه گذاشته و الخ نوشته شده که اگر بخوایش اشرفش آید بجای نقطه عناوین مبارک را بنویسند .

ایتر در شب در بنده خانه مینوشتم و جوف عید مبارک فطراست پیره سردی از عوام مهیمان بود ، یکی هم که خود را از سر افرازان شمرا و ادبای عصر میداندار وارد گردید ، بعد از خواندن این نوشتجات فرمودند خطای فاحش شده غلطی بسیار بد نموده اید ، گفتم سرکار ، از برای چه ؟

گفت ( اگر بخوایش اشرف ) یعنی چه ؟ این چه طور غلط کاری است ،

گفتم ، مرحمت فرمائید بنده خیال نمودم چنانکه خاطر اشرف وجود اشرف ممکن است ، خویش اشرف هم میشود ، گفت نه ، پیرمرد عوام گفت ( کیست می الام ابله بچوک بردوات پیساد برآدامی سفیر ابدیده نرم کی بوزمیک آدمی البته دوبر غلط کارخ اولور ایکی کله خویش اشرف غلط کارخ ولور ) باری از مؤید الاسلام استدعا دارم که تلون کلام حضرت سفیر دقت فرمایند در وقت ورود کتب بجهان بحضور اشرفش شمارا فروخته اند ، پول وعده کرده اند از جیبم خواهم داد ، دقت میخوانم کتابهای که بقول ایرانیان سه هزار ایرا قیمت داشت به هشت ایرا فروخته شد ، و از محررین گرام مستدعی میباشیم چون شرح حالات این سفیر کبیر و براس دانش از بسیار است ~~که~~ صحایف مقدمه را اشتغال نموده و خوانندگان را درد سر میدهد اگر مناسب بیند بعد از این هرکس که از مناقب و شرح حالات وی ذکر

نباید در تحت عنوان مناقب مولانا بنویسند، تا هر کس خواهد مطالعه وی مشغول شود، والا بعد از قرائت عنوان اشرف از مطالعه اش صرف نظر نمایند. چنانکه بنده تا هم چنان مودم، باری العذر عند کرام الناس مقبول باقی امر حضرت اشرف انجم اجل آقای ارفع الدوله پارس میرزا رضا دانش خان سفیر کبیر دولت علیه ایران و امیر نویان و صاحب هیاکل شریفه و مجسمه لطیفه و کتاب صاحب و طول عمر طبعی اسان و و و است

فی ۲ شوال سنه ۱۳۲۵ بنده شا (ن)

لا یحیة یک از دردمندان

(اعضای سفارت اسلامبول)

امروز یکی از وسائلیکه میتواند مانع تعدیات و تجاوزات دو تین روس و انگلیس در وطن مقدس ما گردد و ناطل السحر این معاهده ظمان سوز شود - همانا تثبیت بانحد معنوی با مسلمین هند و قفقاز بلکه مسلمین تمام روی زمین است. یعنی باید کاری کرد که تمام مسلمین شا بانحد معنوی اسلامیت در حفظ استقلال دولت علیه ایران خود را شریک ایرانیان و موظف بقدا کاری و حافظانی بدانند، و این وظیفه را از فرائض دمه اسلامیت شمارند و آنهم می شود مگر با اینکه دولت علیه ایران حمایت معنوی عموم مسلمانان را در عهده گیرد. و در آن صورت که حال قلوب عموم مسلمین شده و همه با هم اتحاد معنوی کردند مسلمین هند و قفقاز و ترکستان بهترین سدی در جلو تعدیات انگلیس و روس متوانند گردید.

آگاهان دقایق سیاست بهتر میدانند که دولت عثمانی اینکه چند در داخله مملکت خود استبداد و ظلم بخرج میدهد و تا چه اندازه در تحت نفوذ و تعدیات دول اروپا فشار میخورد و تا چه پایه بنیان استقلالش متزلزل است. باز بسایر پالتیکی وباسم خلافت جلب قلوب عموم مسلمین را نموده و در خارج از ممالک خود عظمت و حشمتش بیشتر جایگیر قلوب و له رسان عمول اسلامیان گردیده است.

دولت عثمانی خود را حامی مسلمین قرار داده است در صورتیکه حمایت مسلمانان سهل است بسیاری از ممالک اسلامیرا هم مثل مصر و سودان و تونس و

جزایر و عدن و یمن وغیره را از دستش گرفته اند و حالا هم در بی تضعیف قوه سلطنت و تقسیم ممالکش هستند. اما با همه اینها دول اروپا از اتحاد معنوی مسلمین که جامعه اسلامیة مینامند خیلی میترسند و در تصور روز حصول این اتحاد و جنبش مسلمین بر خود می لرزند. چنانچه معلوم خوانندگان محترم است چندی قبل در مسئله جزیره نماز سینا و عذبه دولت انگلیس اولتها نوم باامالی داده بود که تا ده روز باید قبول یا رد تکالیف او را بکند، اما محض شنیدن اینکه سلطان عثمانی بطور غیر رسمی گفته است که اگر دولت انگلیس در تعدیات و قبولانیدن تکالیف خود اصرار ورزد علم جهاد بیرون آورده و عموم مسلمین را دعوت بحهاد خواهد کرد آن اوتیهانوم و تشددات بی کارش رفته و تکالیف باعالمیرا تا درجه قبول کرد

بلی از ترس و اندیشه جامعه اسلامیة است که دولت انگلیس هنوز با اطمینان تمام به تهدید مصریان و مطبع و متفاد کردن ایشان بنفوذ و سلطنت خود با قوه حربه جسارت نمیکند و میترسد که بحسب نفوذیکه سلطان عثمانی از حیث خلافت و اسلامیت در اذهان اهالی دارد کار شکل دیگر بگیرد، و این است که برای عموکردن این نفوذ و برهم زدن جامعه اسلامیة که هنوز غیر از اسم صورتی پیدا نکرده است ملیونها لیره خرج میکند، و حرایب و مجلات در عایه دولت و ساطات عثمانی در مصر و سایر جاها نشر مینمایند و اهالی یمن و سایر عشایر را یطقیان و عصیان رمیبخیزند تا مسلمین را از حمایت معنوی و نفوذ خلافت آل عثمان دلسرد و متفر بدارد که به آرزوی خود نایل گردد.

پس چه قدر شایسته و لازم است که دولت علیه ایران ازین بعد که با بدایره مشروطیت که اس اساس اسلامیت است نهاده خود را حامی معنوی مسلمین روی زمین قرار بدهد، و در حمایت آنها از بذل مقدرت دریغ ننماید، چنانچه سال گذشته که شاهنشاه قوی همت مظفرالدین شاه مفعورا مارقه مرقده که بیذل این موهبت کبری عموم مسلمانان بخصوص ایرانیان را احیا فرمود مفتی دیار مصر در مجله اسلامی المنار

با وار باندگفته بود، که :- امروز یگانه حامی اسلام  
و مسلمین اعلی حضرت مظفرالدین شاه است زیرا که  
که اولین پادشاهی حکم مندی و شاورم فی الامر و  
امر هم شوری بهم را عجزی میدارد او است و بر  
عموم مسلمین روی زمین فرص است که اعلی حضرتش  
را یگانه حامی اسلام و مسلمانان بداند، و اطاعتش را  
فرض دمه اسلامیت شمارد .

افسوس که مات ایران هنوز بی بدین دقایق نبرده  
و استفاده اربین راهرا نکرده اند و درین باب خطاهای  
بیشمار بکار برده اند

درین صورت اولین وظیفه دولت و مات ایران  
برای بستن راه تجاوز دوانین روس و انگلس از  
جنوب و شمال حب قلوب و محبت عموم مسلمین و  
حمایت معنوی ایشان است. تا تمام مسلمانان دولت ایران  
را یگانه حامی خود دانسته و در مواقع لازم خود را  
موظف بدانند و جان سپاری در راه دولت و ملت  
ایران بدانند .

حالا به بدیم آنچه نحو میتوانیم حب قلوب مسلمین  
را نموده و حدود حامی معنوی مسلمانان را در هم  
درین باب وظایف بزرگ در دمه سه طبقه در مات  
ایرانیه متعین است که دیلاً معروض میدرم :

اول بر حجج اسلام و علمای اعلام فرض است  
که درین باب صرف همت و مهندرت هرمانند . مواعظ  
و بیانات بلیغه عموم را بر نجات دعوت نمایند و بر  
علم و انشاء بعض افکار مناسبه که موجب سعاد  
و سعادت میگردد بعد امکان خود در روی مردم و  
فرد ملت را از ارتکاب بعض حرکات نامناسبه  
سبب شهر مسلمین است بار در . فرقی  
اسلامیه از روی محبت و امت رسان کرده در باب  
تجدد اسلام عمده و مشاوره بکنند و مومی نماید  
حکومت را بتمام عالم اسلامی بفهماند . حرید اسلامی  
که در نقاط مختلفه دنیا نشر میشود معامله فروده  
از احوال مسلمین و افکار سایر عالم و مدققین در  
باب اسلام اطلاع بیاسد و در باب رفع کدورت و  
تفاق از میان مسلمین هر چه خود صلاح میدانند  
اجرا بدارند - محاسن اصول مشروطه را که اساس  
اسلامیت است با بیانات و تأقیذات بلیغه بعموم علمای

مسلمین فمپانده و عظمت و قدمیت دولت ایران را  
که در میان دول اسلامی اولین دولت مشروطه یعنی  
ولین احرا کننده اساس عدل و مساوات است در  
انظار عموم مسلمین جلوه گر ساخته ایشان را راغب و  
مایل بحبایت دولت ایران نمایند . و بلکه بعضی از  
علمای اصرت را که واقف بمواقف عصر و مقتضیات  
زمان باشند با دستورالعملهای مخصوص و قوه کافیه  
مالیه برای دعوت بانحاد اسلام و حب قلوب باطراف  
و ممالک اسلامی هرستند .

دویم وظیفه محررین و روزنامه نگاران است :-  
اصحاب حرابت را لازم است که ولا در مصائب  
و شدایدیکه مسلمین در هند و مصر و قندار و غیره  
میرسد اظهار همدردی نمایند و در مواقع لازم انبیا  
مدافعه حقوق شانرا بکنند و هر وقت سعادت برایشان  
رویداد خودرا شریک آن دانسته اظهار مسرت نمایند  
و بعوض باره خودت و وقایع دول اروپا که در  
حکم امروز صدیک خواهند گشت جرابد آنها را  
بمحواسد و اگر هم خواهند نتیجه بر آن مرتب بست  
حوادث و واقعات عالم اسلامرا نشر بدهند . تا افراد  
ملت بر سدمات . طامعیکه بسر مال اسلامی در تحت  
سلطنت دول اروپا می آید اصلاح یافته عبرت بگیرند .  
و غیرت اسلامیت و خلوص محوش آید و این روحان  
حقیقی انحاد در دنیا تولید شود . و بعد چندر لازم  
است که مروز اعلا جرابد از واقعات و احوال  
مسلمین مسر و هند و آسیا و غیره و سبب برای اینکه  
دل مردم شود بهمن وعدهوت بدل سببی بکنند  
که شخصیکه مرسوم در طمع سازد که بر سر بر سر  
شست این دول فاعدا از راهها میرسد و  
در در . در حیث قی و تر آنچه پایه رسیده  
در چطور رسیده بد چه بچه . در شمه مسر در چه  
سلاطین ایران بیشتر سر مسلمین سمجوار ایران است  
و انب جرابد مسر روزی بست که اظهار همدردی  
نمایند و راههای سعادت ایران نکنند و براسی تبیه  
و آگاهی افراد ملت خود وقایع ابرار نشر بسازد  
و ملت مسر را شریک سعادت و دادده ایرانیان  
شناسد .

ثانیاً بهمت و معاونت صاحبان غیرت و طرفداران

آعاد اسلام جراید مخصوصه نشر داده و مجاناً بعموم مسلمانان روی زمین برسانند و دعوت بانحاد و اتفاق بنهند و بوسایل لازمه بنیان این آحاد را محکم سازند .

الحمد لله در سایه سلطوت و سیاست قدیمی دولت ایران هنوز زبان شیرین بیان فارسی در اغلب ممالک هند و در افغانستان و بلوچستان و حتی در میان اغلب عشق بر عرب هم معمول است، و هنوز مکاتبات رسمی و تجارتي قفقازیه و ترکستان بزبان فارسی است، و این بهترین وسیله است برای تعمیم نفوذ و حریت ایران و جاب قلوب و ترغیب اسلامیان بطرف آن .

خداوند لا یزال شاهد است که هر وقت اینهمه مطالب را فکرم میکنم هوشم از سر می رود که ما ملت ایران چه قدر جاهل و غافل بوده ایم که تا امروز پشت با بدین همه منافع طبیعی زده و ازین راههای سهل و ساده استفاده نتوانسته ایم بجماع و فرصتهای بسیار خوب را از دست داده ایم .

ناذا انجمنهای مخصوص تشکیل داده و اطاف جمع آوری کرده معامین مخصوص برای تعلیم زبان فارسی که محارحشان را هنر انجمنها بدهد تمام ممالک اسلامی برسانند و اعلان بدهند که در ممالک اسلامی هر جا احتیاج بجمع داشته باشند از طرف انجمنها فرستاده میشود . و بدین معامین بری جلب قلوب مردم دستور العمام و ترتیبات لازمه یاد داده روانه سازند، بدینجمله هنوز در برن يك دارالمعالمین نیست و تا کنون اولیای دولت در قسمة آذربایجان که مهمترین قطعات ایران است شویسته بکه نخواسته اند زبان فارسی را تعمیم بدهند . و امروز صد يك آذربایجانیان زبان رسمی و ملی و دواتی خود را بیدانند، و این مسئله در پیش ترقوت آتیة آذربایجان مانع بزرگی است و اولیای دولت و عیالای ملت باید در اصلاح این مسئله جدلاً و غیرت بجایند .

سیاست دربار و مأمورین خارجه دولت است و اهمیت و حریت اینها در برابر بیشتر از سایرین است، زیرا نشیبت و اقدامات سایرین درین باب آنوقت منتج نتیجه میشود که این سفرا و مأمورین درینباب

وظایف خود را بخوبی اجرا نمایند . دول اروپا هر وقت که میخواهند جذب قلوب يك ملت را بطرف خود بکنند بواسطه همین سفرا و مأمورین خارجه تشبث مینمایند، و الحاق اهمیت و وظیفه و کیاست و فراست و وقوف برموز سیاست و فعالیت و حریت حرکات این سفرا و مأمورین بهترین وسیله است درینباب :

مثلاً با حسن سلوک و اظهار محبت و حرمت در حق رؤسا و ریش سمیدان و علما و صاحب قودان افراد یکمات و به اصدار نشان و مدال برای بزرگان و کاردانان و روزنامه نگاران و یا معاونت و همراهی در اصلاح امور و مدافعة حقوق بطور رسمی و غیر رسمی و به مهمانی دادن و معاونت کردن در مخارج مکاتب ملی و انجمنهایشان و بطرف گیری در بعضی مواقع و تخصیصشان بوسایل لازمه از بعضی مجازات و اجیارات حکومت عمایه و با هزار وسایل دیگر که موقوف بکیاست و کفایت شخص مأمور است ، بشرطیکه حدود معینه مأموریت خود را تجاوز نکند، بیشتر میتواند جذب قلوب مردما بکنند، چنانچه اگر سلوک و نشیبت مأمورین رقیب نوجوان تا یعنی جناب آلمان را در ایران پیش نظر بگیریم که برای جا دادن خود در ایران و جذب محبت ایرانیان بجه وسایل تشبث میکند و از کدام راهها میآید و ما اهالی بخصوص با طبقه علما و تجار در داخله و خارجه بطور مهربانی و معاونت و همراهی میکند بی بکنه این مطالب برده و اهمیتش را تقدیر خواهیم کرد .

افسوس که سفرا و مأمورین خارجه ما ابداً ملتفت این نکات نیستند و یا ملتفتند اما آن کفایت و لیاقت را ندارند و جذب قلوب ملل دیگر سهل است که تبعه دولت متبوعه خود شانرا هم با تعدیات بی اندازه و اجحافات بی شمار و حرکات ماهنجبار از دولت متبوعه خود منفر و روگردان میسازند . خداوند انصافشان بدهد

امید است بعد ازین درمیان سفرا و مأمورین خارجه اشخاص با کیاست و کفایت و واقف برموز سیاست پیدا بشود که بی بدین دقائق برده با همت و اقدامات مجداه و عاقلانه خود دولت و ملت خود را سرفراز نموده بمقاصد عالیه برسانند .

حبل المتین کلکتہ

مدیکل کالج استریت نمبر ۴

Hablu Matin Office  
4, Medical College St.  
CALCUTTA.

وکلا ذمه دار ابوحیات مشترکین اند

( بدل ابوة اخبار پیشگرفته میشود )

قیمت اشتراک

سالانه ... شش ماهه

هند و برمه

نامه مقدسه

۱۲ روپه ۷ روپه

ایران و افغانستان

۲۰ قران - ۲۵ قران

عثمانی و مصر

۵ مجیدی ۳ مجیدی

اروپا و چین

۳۰ فرانک - ۱۶ فرانک

روس و ترکستان

۱۰ منات - ۶ منات

# المتین

سنة ۱۳۱۱

( مراسلہ بدون امضای معروف اداره )

( باشد درج نخواهد شد )

کلیه امور اداره با

مدیرکل مؤیدالاسلام است

هر دوشنبه طبع

و - شنبه توزیع میشود

یوم دوشنبه

۱۰ ذیقعدة الحرام ۱۳۲۵ هجری

مصادف با

۱۶ دسمبر ۱۹۰۷ میلادی

در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود

( مقالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست )

## ایران وزارتخانه لازم دارد

جناب احتشام السلطنه - در آغاز مشروطیت که رئیس الوزرائی بمرحوم مشیرالدوله مفوض بود در ماده وزارتخانهها خطاب بانمرحوم مکرر مقاله نگاشتیم، بلاشبه اگر آن مرحوم را فرصت داده بودند این قص بزرگ را از دستگاه دیوان که شالوده جمیع خرابیهای ایران تا امروز شناخته شده رفع میکردید حال هم عرض میکنم تا وزارتخانه صحیح نداشته باشیم کارها پیشرفت نخواهد نمود، باید دید وزارتخانه چه میخواهد که ما نداریم ؟ وزارتخانه بر سبیل عموم چهار رکن دارد

(۱) وزیر عالم (۲) دستورالعمل که عبارت از قوانین وزارتخانه باشد (۳) اعضای کافی که بتوانند همراه آن وزارتخانه را بدرستی بگردش آرند (۴) بودجه صحیح که مصارف لازمه را از مواجب وزیر گرفته تا برسد بشهریه فراش و سایر ضروریات آن بوقت خود تأدیبه باید، ولی برای صحت وزارتخانههای ایران يك رکن دیگر هم لازم است که غالب دول سائره فعلاً از آن مستغنی هستند، و ما باشد ضرورت محتاج بر آن میباشیم و آن عبارت است از کمیته

واقف برگردادن جرخ و راه انداختن همراه وزارت خانه باشد، عبارت ساده طریق اداره گردانی را بداند اگر چه ما قائلیم که هیئت وزرای هفتگانه امروزی ما (جز آصف الدوله) همه مردمان علم دانا هستند، و باصول مشروطیت واقف، و با درونی صاف کر خدمت ملت و دولت را بمیان بسته و در ایران از اینها بهتر در طبقه ممتاز برای وزارت پیدا نمیتوانیم نمود - و اگر خیلی هم سعی نمانیم امثال آنها آنهم معدودی چند شاید بتوانیم پیدا نمود، با این که بنده یکی از معتقدین باین هیئت وزراء هستم، باز هم با آواز بلند میگویم که این وزرای موجوده ما از عهد گذشته گرداندن، همراهی های وزارتخانههای خود بر نمی آید، یعنی علم وزارت نخواهند آمد، و از فن اداره کردن يك وزارتخانه واقف نمی باشند، و ابد تصور وزرای ما هم نیست، چرا ؟ که حصول وزارت در ایران هرگز از روی علم و تجربه نبوده، یعنی اداره نداشته ایم که ضرورت با اداره گردان داشته باشد، در صدد تحصیل آن فن بر آیم، گذشته بر این علوم وزارت و فن اداره گردانی نه چیز نیست که دو يك مدرسه و یا در يك دارالفنون کاملاً بتوان تعمیم گرفت این علم جز به تجربه و کار کردن و صرف هم حاصل نمی

شود. احدی نمیتواند دعوی کند که بزرگترین تعلیم یافتگان ایران در وزارت خانهای منظمه دول دیگر کار کرده، و یا تجربه آموخته اند، تا از حزن و کلي فن اداره گردانی واقف شده باشند، دلیلی بحکم ترازین نمی شود، که ایران دوست سال بود گمرک داشت، مسیونوزی آمد با اینکه هزار گونه خیانت بمات و دولت نمود، و بیانی هنگفت از ایران برد، ولی چون سالها در گمرکات بلژیک خدمت کرده بود، و اصول اداره گردانی میداشت گمرکات ایران را مثل گمرکات دول ساژنه اداره نمود و در وقتی که يك اداره در ایران نبود گمرکات ایران نیکو اداره شد، و این قدر وزرای عاقل و دالای ما درین مدت مدید نتوانستند این چیزی امر را که سراسر نفع خود شان بود اداره نمایند، اگر مسیونوز دزدی و خیانت نمود قصور وزرا یا معمول مملکت بود، دزدی وقلب منافقانی بعلم اداره گردانی ندارد

مقصود اینست که وزرای ما با اینکه امروز عالم و فاضل اند بدون رودرواستی از علم وزارت بی بهره و از اصول اداره گردانی ناواقف اند

مسلم است بودجه وزارتخانهها را کمبسیون مالبه درست کرده، اعضا هم باندازه کفایت ارجنس ایرانی در هر وزارتخانه مقرر داشته یا خواهند داشت، قانون بعضی از وزارتخانهها مرتب شده بعض دیگر هم عنقریب مرتب خواهد شد، وزرای عالم هم بر حسب علم و اطلاع ایرانیان موجود و هر زمانه خواهیم داشت، ولی بدون پیدا کردن اداره گردان حال است که وزارتخانههای ما مثل وزارتخانههای دول متمنده منظم گردد (اقلاً مثل اینکه امروز گمرک ما را اداره میکنند و وزارت خانههایی ما را هم وزارت خانه بگویند) تا اداره گردان نداشته باشیم بدون حرف نخواهیم توانست دعوی بنایم که ما هم مانند دول ساژنه دارای وزارتخانه هستیم، اما وزیر جزیست که بحمدالله همیشه داشته و انشاءالله هماره هم خواهیم داشت.

شاید کسیکه تا يك درجه واقف بمواقف عصر اند ما را تکذیب نه نمایند، که جمیع خرابیهای دوره استبداد و مشروطیتها بواسطه نداشتن وزارتخانه صحیح بوده و هست، حتی اگر يك وزیر عاقل خیرخواهی هم احیاناً روی کار آمده، بواسطه عدم موجودگی وزارتخانه

نتوانسته هیچ آثار لباقی ظاهر بدارد، با اینکه علوم نتیجه عقول است، بلا حرف هیچ عقل کار علم را نمیتوان نمود، خرابی در این است که ما ایرانیها عقل خود ما را کافی از علم و عمل میداریم، همین قدر که یقین کردیم فلان عاقل است ما این که ابداً علم ندارد او را قابل هر کار می شماریم، و با آنکه همین قدر که فلان کس را علم دانستیم وی را قابل هر عمل می پنداریم، و حال آنکه بین عقل و علم و عمل از زمین تا آسمان است، خصوصاً وقتی که بدقت مشاهده شود دیده خواهد شد، که هر علم را عملیات دیگر است، غالب علوم است که بدون عمل کامل نتواند شد، شاید بعضی جنان تصور فرمایند که ذهن و هوش ایرانی مشهور آفاق است، وزرای ما هم بحمدالله دوره ابتدائی علوم نظریه را دیده اند، اینک که براه افتاده رفته رفته در کارها تجربه پیدا کرده کم کم مثل وزرای اروپا دارای علم و عمل می شوند، اهالی اروپا هم این قسم ها تحصیل علم و عمل نموده اند

ولی این نکته را نباید از حد نظر دور داشت که اروپاییها سیصد سال است علم آموخته و بطریق ارث تجربه در عملیات حاصل کرده اند یا الله حالا میتوانند کلیم خود را از آب بکشند، و حال آنکه امروز هم اگر بدقت ملاحظه شود می بینم که برای کسب تجربه اشخاص ماهر عالم فاضل را از یکدیگر قرض می نمایند، امروز وقت ما بسیار تنگ است اگر بنا شود این قدر صبر بنایم که وزرای ایرانی دلاکی را از سر کچل مات و دولت یاد گیرند، تا وقتی که آنها عامل شوند هیچ سر و دستاری از برای ما باقی نخواهد ماند، مات و دولت ایران قسمی باید حرکت خود را سریع قرار دهند که در نیم قرن که عبارت از پانزده سال باشد، اقلاً بتوانند خود را تا ملی ژاپون امروزی قرار دهند چه ظاهر است پانزده سال دیگر طمانازة امروزه کهنه شده است، و براسیے چنین سیر سریع ما چاریم از ژاپونیان سرمشق گیریم تا مانند آنها که ترقیات سیصد ساله اروپا را در سی سال حاصل کردند، ترقیات سی ساله ژاپون را ما در پانزده سال یا کمتر بتوانیم حاصل بنایم.

کمان ندارم اگر اندک تأمل شود کسی انکار کند که ما تا امروز وزارتخانه نداشته ایم و همواره



وزارتخانه ما عبارت از هیئت بسکول پارچه بوه که بز دوش وزرا بوده است ، و همینکه وزیر رفته وزارتخانه هم رفته است ، و تمام کارهای آن وزارتخانه معوق مانده ، وزیر تازه هم که آمده تا چندی متعذر بوده که من تازه در کار آمده مسبقی بامور بنسبم ، بلکه مسئول کارهای سابقین هم نمی باشم ، بواسطه همین قصص است که در هرصه بك ونج سالة مشروطیت هم هیچ کاری از هیج وزیری پیشرفت نموده است ، چرا ؟ وزارتخانه نداریم ، و حال آنکه همواره وزیر داشته ایم .

برعکس اگر وزارتخانه داشتیم و شش ماه هم وزیر نمیداشتیم هیچکار مان معوق نمی ماند

بعینده بنده اگر ارکان اربعه وزارت خانه های خودمانرا هم محکم نمائیم ، و صرف نظر از رکن پنجم شود که عبارت از اداره گردان باشد ، باز هم همان آتش در کاسه نخواهد بود ، و هیچکار از روی صحت پیشرفت نخواهد نمود ، تا وقتی که وزارتخانه صحیح نداشته باشیم ، سلطنت مشروطه نخواهد داشت ، و اعضای وزارتخانه ها هم خودرا مسئول نخواهند دانست ، و لطویش را در کار خود مستقل نخواهند بنداشت ، مثل سابق هر وزیر اعضای وزارتخانه را نوکر شخصی خود پنداشته ، بر خلاف قانون تغییر و تبدیل و عزل و نصب خواهد نمود ، چنانچه تا امروز کرده اند و خساره اش ملت و دولت وارد آمده است

حالا چه باید کرد که تمام دارایی وزارتخانه و ادارات صحیح شویم ؟

همان کاری که پیش قدم ما ژاپون نمود - ژاپون چه کرد ؟

ژاپون همین که خواست با بدایرة ترقی و تمدن گذارد ، بر عکس ما که اول بحیثال خود در صدد علاج امراض غیرمعلومه برآمدیم با منتهای سعی اقدام نمود که مرض اصلی و درد خرابی را معلوم نماید ، پس از کشاکشهای زیاد معلوم کرد که تمام ترقیبات دول منوط به حسن اداره و صحت وزارتخانه های آنهاست ، و درد بزرگ اینست که احدی از ملت ژاپون را علم و تجربه اداره گردانی نپسند ، این بود که پس از تکمیل ارکان اربعه وزارتخانه های خود ، جماعتی را از امریکا و انگلیس بسبب مستشاری اداره جات و وزارتخانه های ژاپون جلب نموده ، بر جوانان با علم و هوش ژاپونی

را زبردست مستشار های خارجه به آموختن تجربه و امار ساخت ، و نیز از هر شهر و صوبه همه ساله جمعی شاگردان با استعداد را برای تعلیم و حصول تجارب لازمه پس از آنیکه از مدارس عالی خود فارغ التحصیل برآمدند بذارالعلومهای فرنگ فرستاد ، و این سلسله را تاکنون هم که مستغنی شده قلم گذارده است ، این بود که در فایل زمان بآن ترقیبات بحیرالمغول ارتقا جست ، و بفدوی جوانان عالم قابل کار آزموده پیدا کرد که فوج فوج به چین و دسته دسته برای نشر تمدن سایرین اجاره میدهد

کجا میکنم که تاکنون هر قدر جوانان ایرانی برای تعلیم به اروپا رفته جز زبان و بعضی طادات منحوسه چیزی نیاموخته اند ، چنانچه در تمام جوانان تعلیم یافته خارجه جز چند نفر انگشت شمار ایرانی قابل کارش نظر نمیرسد ، گذشته بر این هموماً این جوانان که برای تعلیم باروب میروند بزرگان و اعیان و همه از طهران و یکی دو شهرهای بزرگ است -

اولا - اولاد بزرگان و اعیان بواسطه ثروت و اطمینان بخدمات معمولی اعتنا نمی نمایند ،

ثانیاً - ما آدم کاری برای همه ایران لازم داریم ، چه اصلاحات پای نخت کافی از شهرهای دیگر نتواند بود ، همان احتیاجی که ما با اصلاحات در طهران داریم در شیراز و بوشهر هم داریم ، و اصلاح هر شهر و هر صوبه را باید اهلی آن شهر و آن صوبه بنمایند ، لذا بر حضرت عالی که رئیس اصلاح خواهان بوده و هستید لازم است که همه ساله بر سیبل استمرار افلا تا بیست سال از هر شهر و قصبه جمعی جوانان ادانی و اواسط نام را که از تعلیمات مدارس ابتدائی و عالیة داخله فراغت نموده باشند به تحصیل علم در خارجه فرستید ، به برای آموختن زمان ، بلکه برای تعلیم علم و فن و حصول تجربه مثلاً از خطه فارس هر ساله بیست جوان بخارجه فرستند ، و آنها را بشعبات اصلاحات لازمه تقسیم کنند دو نفر برای تکمیل طب ، دو نفر ریاضی ، همین قسم مهندس ، و معدن شناسی ، و فنون جنگی ، و غیره تا بررور زمان که دارالعلومهای داخله خودمان را کامل نموده و مستغنی از خارجه بشویم .

ایران دارای وزارتخانه های صحیح نخواهد شد مگر اینکه مانند ژاپون اداره گردان از خارجه بیآوریم حضرتعالی خود انصاف دهید کدام وزارتخانه های

ایران اهمیتش از وزارت مالیه کمتر است ، و کدام يك از وزای ما چون حضرت اشرف ناصرالملک عالم و مخصوصاً تحصیل فن نموده است ، مع ذلک مستشار مالیه را لازم دانستند که برای گرداندن این اداره در مجرای صحیح ازفرانسه بیاورند ، این نیست مگر دانش و وقوف کاملی که این یگانه مرد درستکار در کار دارد ، و فقط عقل و دانش و تجربه خود را کافی ازین امر مهم تصور نمیکند ، و یقیناً درمیان ایرانیان هم کسی که از عهده این خدمت بر آید ندیده‌اند ، ورنه چگونه رضا مبدادند که سالانه پنجاه هزار فرانک پول ایران بشخص اجنبی داده شود ، همین قسم است سایر وزارتخانه‌های ما که امروزه اشد احتیاج را به مستشار خارجی دارند ، و اگر ازین نکته صرف نظر شود هیچ وقت دارای وزارتخانه نخواهیم شد ، و هماره وزارتخانه مان عبارت از همان کول پارچه خواهد بود که بر پشت وزیر است ، و پس از طمع از کار با خود خواهند برد ، و این قافله تا بحشر لنگ خواهد بود

حضرت عالی که امروز پیش از همه کس واقف باین نکات هستید باید این نکته اهم را بکلا و وزیر محترم حالی نماید ، که بدون مستشار خارجی وزارتخانه‌های ما که عبارت از دستگاه دیوان است منظم نخواهد شد ، و تا وقتی که وزارتخانه‌های ما منظم نشود هیچ کار از مجلس پیش نخواهد رفت ، چه قوه اجرائیه قوانین که از مجلس خارج می‌شود همان وزارتخانه‌ها میباشد ، و اینکه تاکنون يك از قوانین مجلس مجری نشده ، بواسطه نداشتن وزارت خانه است . ما نقدر که وزیر مسئول شد کار تمام می‌شود ، وزارتخانه میخواهیم تا وزیر مسئول بتواند کار به نماید ، گبرم وزیر از عهده کار بر نیامد و مزولش هودید ، چه قائده برای ملت و دولت ، و چه حاصلی برای مملکت خواهد شد ، از اینهمه وزرائی که هرل و نصب نمودید چه نتیجه نیک حاصل شد ، و زبری دانشمند تر از جناب ناصرالملک امروز ما درخس ایرانی کمتر پیدا خواهیم کرد ، در درستکاری و مشروطه خواهی او نیز احدی حرف ندارد ، ولی بدون مستشار خارجی کاری از پیش او هم نمیرود ، یعنی افلا میتوان وزارت مالیه ایران را عاجلاً مثل وزارت مالیه بلغار و سیام و صرب نمود

تعارف را باید کنارگذارد ، و بدون رو درواستی گفت ایران وزارتخانه میخواهد ، و بدون مستشار خارجی ما دارایی وزارتخانه صحیح مثل سایر دول مشروطه نتوانیم شد ، و هیچکاری هم از پیش مجلس نخواهد رفت ، وزرای ما هم که درین دوره باصطلاح حال دو سر گزای می‌بایند محض اینست وزارت خانه

نداریم ، و کاری از پیششان نمیرود ، معلوم است مجلس هم از وزیر کار میخواهد ، کار که نکرد منزلت می‌کند ، آخر تا کی این دور و تسلسل جاری خواهد بود ؟ ملت تباه ، دولت ضعیف ، مملکت دارد از دست میرود ،

بدون کلام امروز در دکار نداشتن وزارتخانه‌هاست ، و هر کس دعوی نماید که امروزه در ایرانیان داخله اشخاصی پیدا می‌شوند که قابل اداره نمودن وزارتخانه هستند بدون تأمل هر ض خواهم کرد تعارف میفرماید ، و یا اطلاع از چگونگی و وضع اداره کردن وزارتخانه ندارد ، و این عیب دانشمندان ایرانی هم نیست ، چرا که ما تا امروز در ایران اداره نداشته‌ایم ، و دانشمندان ما در ادارات خارجه هم خدمت نکرده‌اند ، که تجربه حاصل نمایند ، و فن اداره گردانی هم بدون تجربه حاصل نمی‌شود

پس بر حضرت اشرف ناصرالملک رئیس الوزراء است که قبل از هر کار وزارت خانه در ایران قائم نمایند ، و از مجلس ایرانی خاصه وزرای موروثی هرگز توقع نداشته باشند که بزبان مبارک خود بگویند « ما به شخصه از عهده وزارت بر نمی‌آیم » چرا که از صد سال باین طرف کاری از وزارت در ایران آسان تر نبوده ، و هنوز هم در اذهان خواص جایگیر است که وزارت امری است آسان ، و تصور نمیکند که پس از بیست سال تحصیل علم و فن و بیست سال تجربه عملیات اگر خیلی با هوش باشد یا الله از عهده وزارت بر آید ،

وکلای محترم هم باید باین نکات پی برده برای هر وزارت خانه و هر اداره مستشاری از خارجه خواسته بر سر کارگذارند تا از روی صحت دارای وزارتخانه و ادارات شویم ، در صورتیکه همراه وزارتخانه‌های ما از روی صحت بگردش آید ولو روزی يك هفتاد وزارت هم تغییر و تبدیل شوند ، کارها از مجرای حقیقی خارج نخواهد شد

چیزیکه هست باید مستشارهائی را که بایران جلب میکنیم از روی صحت باشد ، و هر کس در هر کار بوده و تجربه آموخته بهمان کار وادارش نمایند ، نه اینکه بمستشار مالیه بگویم تو انتظام بانک ملی را هم به ما ولو هم او قبول کند ، تا امروز عدم مراعات همین نکات بوده که کارهای ما در مجرای صحیح نکشته ، بر فرض صکه طیب مبادی فن جراحی را هم بدانند ، تجربه کار را از کجا خواهد آورد ، اداره نمودن بانک علم و تجربه جدا گانه

میخواهد ، درین نکات البته خیلی باید دقیق شد ، دیگر آنکه قرار مواجب مستخدمین خارجه را باین اصول بدهند که يك و نیم یا دو برابر آنچه امروزه در خدمت دولت خود می باید دولت ایران باو بدهد ، درین صورت مرکز گول نخواهیم خورد ، و مقبول نخواهیم شد ، چرا که دیگران مثل ما مفت باز نیستند ، اندازه مواجب و قیمت خدمت را از روی ایساق معین کرده اند .

شرطیکه خیلی لازم است در ~~صکنت~~ این گونه مستخدمین بشود آموزش و تعلیم آنها بر زبردستان ایرانست تا هماره مبتلای بآنها نباشیم ، ما معلم میخواستیم ، این نکته را هرگز نباید از مدنظر دور داشت بلکه باید انعامی برای این مستشارها مقرر کرد بشرطیکه در فلان مدت زیر دستان و شاگردان خود را لایق بجهان بینی خود نمایند

از همه بیشتر باید مراعات نمود کسانی که جاب با ایران میکنند از ملکی انتخاب شوند که مضر به پلتنیک ایران نباشند ، امریکا و سوئز و ژاپون موضوع ترین ملک است برای ایران در جلب آدمهای کاری ، و ملاحظات اقتصادی در جاب آنها هست ، دولت ژاپون خیلی با ایران همدم است ، و پیش از جیب دول میتواند با ایران قایم برساند ، و در هیچ فن از اهالی اروپا عقب نیست ، سوئز در علوم و فنون بین اروپائیان ضرب المثل است ، خصوصاً در ترتیب قشون ملی ، و مزار سیاسی هم برای ایران امروزه ندارد ، معیناً تا جایکه ممکن است بازم باید مردمان مجرب کار آزموده از اهالی آسیا پیدا نمود ، و جندی صرف نظر از اروپائیان کرد در میان فارسین بیتی مردمان کار آزموده برای هر کار میتوان پیدا کرد ، ایساق و قابلیت و تجربه و پشت کار آنها بدرجه است که انگلیسها را عقب نشانده ، متصدی کارهای عمده ماتی و دولتی سوئجات بیثنی و گجرات این طایفه هستند ، خوب است تا جایکه ممکن است رفع احتیاجات خود طان را ازین طایفه نجیبه که اهالی وطن ما هستند ، و ایران را زیارتگاه اعظم خود می بندارند به نایم

( مستر حیدری ) که سردیست مسلمان و شیعه ناظر بر جیب محاسبات هند تا برهه است و حکومت هندوستان

کمال امتنان را از حسن خدمات او دارد ، و اداره عالییه تمام هند را او تصحیح کرده ، و اینک نظام دکن برای درست نمودن اداره عالییه خود او را از حکومت هند موقتاً خواسته ، تخمین و دو هزار و پانصد روپیه مشاخره اوست ، عالییه هند را کوچک نشمارید قلیلی از تمام عالییه فرانس کمتر است ، یقیناً این مرد برای خدمات ایران مفیدتر از مستشار عالییه است که از فرانس طلب کرده اند ، اگر اندک توجه نایم این گونه اشخاص لایق کار کرده مجرب در قوم خودمان و مسلمانان خارجه بسیار پیدا توانیم نمود ،

ظاهرات عدلیه ما امروز پیش از سایر وزارتخانه ها آدم لایق کار آزموده لازم دارد ، چه شعبة عدلیه در هر شهر و هر قصبه باید موافق شهر بای تخت دائر شود ، چند نفری که ما در نظر داریم برای خدمت در وزارتخانه های ایران فقط آنها درین جا معرفی می نایم

مستر سید امیر علی که سالها در عدالت عالییه کلکته حاکم یک حکمه بود ، و تمام انگلیسان و اهالی هند ایساق و قابلیت او را تسلیم دارند ، مدت خدمت او سر آمده و چند سال است در لندن بیکار است و از سادات و فضیلت شیعه میباشد همین قسم مستر سید علی بلگرامی که در علم و فضل در تمام هند نامی ندارد ، مستر سید کرامت حسین خان برسترایت لا برادر مرحوم جنت مکان مولانا مولوی سید حامد حسین صاحب ( عبقات الاوار ) که مستثنی از توصیف و تعریف بنده اند ، و نیز حامد علی خان برسترایت لا ، و جناب آقا میرزا مهدی خان ( کوکب ) که مکرر شرح ایساق و قابلیت شان را در اخبار نوشته ایم ، همه از خودمان و در خدمات وزارت علوم و عدلیه اعظم و تجارت و غیره کار کرده و تجربه آموخته اند ، و تصور مضار سیاسی ازین وجودهای محترم برای ایران نمی شود ، چه اینها همه ایرانی الاصل و آرزویشان ترقی ایران و خدمت باسلام است ، و شاید بهمان مواجیدیکه دولت انگلیس امروزه در خدمت به آنها میدهد دولت ایران بدهد محض خدمت بدولت اسلام بخون و متشکر خواهند بود ، وظیفه ما یاد دهانی است که به بیخوفت دروغ نداشته ایم .

حرف راست

انظر الى ما قال ولا تنظر الى من قال

يك ملت شش هزار ساله قديمه ، و يك دولت قوی شوكت قويه ، كه محبات اين يك و شهامت آن ديگر موجب غبطه طوائف و ملل بود ، و نطق سياست ايشان يك دائره بی نظير و سببی تشكيل داده ، هزاران ميل را در تحت نوسه خود مياورد ، و سلاطين قرب و جوار او از هيبت و سطوت فرمانرويان آن ملت جبين مذلت و انكار بر صفحه خاك سوده ، و عبوديت و فدويت خود را بدن خراج و باج در محضر آنان بمنصه شهود ميرساييدند ، و علاوه بر قهر مائيت سلطنت اساس علم و حكمت در آن ولا بريا و مرجع و مركز فضلاء و حكما عصر جز آن خاك يك كتر ناحيه ديگر بوده ، اكثون از تبيجه اسباب و موجبات مختلفه بدرجه از ترقی بنزل و از اوج به حضيض و از بلندی به پستی افتاده اند ، كه حلقه اقتدار شان بتنگی چشم سوزن گشته ، ممالك باجگذارشان همه باجگير و تاجگيرانشان تمام تاج بخش شده ، بموض ثروت و مكنت شهور يك مسكنت و مذاق روی بدانها کرده كه همان قدر كه آن ثروت اامت شهرتشان ميبود ، بهمان اندازه اين فقر و فاقه آنها را معروف ساخته ، گذشته از اين ، ثروت حقيقي كه عبارت از علم و قانون باشد يكسره از مملكتشان رحلت سفر بسته و آنها را در زير تيغ ميرغضب جهل گذاشته و اين فتره بيشتر مصيبت آنها را جگر سوز ميسازد ، و محض گرمی عزا اقتضاء طبيعت زمان خاطر همسايگان آنها را جلب بايداه ايشان نموده است -

حوب ا من بنده كه هرچوقت راضی نمیشوم اين اسناد را بوطن عزيز و ملت محيب و حيب خود بدم ميرسم ، در صورت فرض آيا تكليف همچو ماتی چه خواهد بود ؟ آيا بايد بخورد و دم نزند ، و بارگران جهل را از دوش خود نیندارد ، و آخر هم راه عدم را پیش گرفته لييك حق را اجابت گوید ؟ نه !! قانون حقه الهیه گاهی اجازه نخواهد داد كه اين راه پیش گیرند ، بلکه بر عكس بايد افراد همچو ماتی در حفظ مليت خود دست بدامنه اتفاق و برادری زده هيبت اجتماع و بی ملاحظات شخصيه در رعایت سنن طالب

بکشند ، و سعادت و شرافت خود را در زیر سایه قانون كه وسيله واحده آن كار است فراهم آرند ، و ساير ملل برای پشرفت آن عمل همچو فهمیده اند كه بايد افكار و خيالات عفلاه ملت را در خصوص خير عامه تحصیل نمایند ، و آلت تحصيله را هم روزنامه قرار داده اند - در اين صورت مسئوليت روزنامه نگار و اهميت روزنامه در عالم خير و شر ملت (خاصه همچو ملتی مثل ايران) تا درجه ايست كه فوق آن درجه نيست ، و به تنها روز نامه نويس بلکه مخبرين آنها نيز بايد وقتی كه دست بقلم دراز كردند خود را در حضور حاكم وجدان در محكمه عاليه آسمانی حاضر دانسته ، نگارشات خویش را در مرض جرح و تدليله آن حاكم حقيقي فهمند - يا اينكه يقين نمایند كه نمانده و مبعوث آن محكمه در بزم تحریر آنها حاضر ، و بر كلياتشان ناظر است ، و در صورت تقصير بجزای عظيم خواهند رسيد ، و بنا بر اين بايد قبل از فرو بردن قلم بمركب اغراض نفسانی خود را کنار نهاده بندار و لحيال تفوق موهوم بر ديگوان را متروك و عنم اشتها و انتشار شخصی از قلب خود دور سازند -

محض خوشنودی عمرو بمدح زبد نگوشند ، و برای تعلق فلان بقدر بهمان نپردازند ، در لوحه قاب خود اين لفظ (انصاف) را مركز بدانند ، و مقصود كلي و مطالب اصلی از زحمت خود فقط حصول يا ازدياد استعمال قانون بدانند ، و اليه باقی اين كار بزرگ را آورده بباره كشافت نكنند ، يعنی در جرايد خود تجارت نكنند و آن را خوب و كشكور تكمی قرار ندهند - همچنين شرايط كه گفتم ، بر هر كس كه از خرد و عقل بهره دارد و خود را در جرگه انسانيت داخل و از حقوق آدميت بهره مند ميباند فرض است ، كه رأى خود را در خير عموم بجايد و طوف اظهار دارد ، شايد محل اعتناء اوليايے او ر گشته در دفع مفاسد ملی سبب شود ، باخطاب کاری ندارم ، كه بعضی وقايع ويسان وطنی ما وقتيكه پای منافع و مصالح شخصيه بپايان آيد ، از خير عام چشم پوشيده هر چه حسابالات خام آنها ميتواند تشكيل بدهد بر نوك قلم و صفحه كاغذ ميا آورند ، بلکه طيلم بگويم تحريرات من مشروط مؤكده به اشروط بوده و انشاءالله خواهد بود

آن تفصیل هم ذی المقدمه بود، وهم تا اندازه بدیگران اخطار خواهد کرد، که در مکاتبه با حرایب چه رویه اختیار نمایند، چیزیکه میخواهم بگویم اینست که چون امروز در این کرسی بنادر (بوشهر) هر طور بوده مسأله بعنوان انجمن بصل آمده، و اساسی جیده شده، و احبست بذریعه جریده فریده بر حسب اقتضای قانون انسانیت آراء خود را بسمت فردی از افراد ملت ایران عرض و اخطار کنم، بلکه از لحاظ اعضاء آن انجمن بگذرد و موجب تبیان و توضیح گردد (۱) طرح قانون انتخابات طبقاتی الفاء يك شبهه کرده که اعضاء انجمنها فقط خود را مربوط طبقه و طایفه میدانند که آنها را بوکالت خود برگزیده و در امور سایر طبقات از مداخله دور کشی مینمایند - چنانکه گفتم این سهو ناشی از اصول انتخابیه شده، ولی باید افراد آن هیئت همواره خود را مجبور به متابعت آن طبال غلط ندانسته بلکه در اموریکه مطرح مذاکره میشود حقوق هر طبقه را با مساوات رعایت نموده يك فرقه مخصوصه را بمساعدت خود امتیاز بخشند -

(۲) يك سهو دیگر که در اذهان جایگیر شده آنست که هر امر جزئی - چه شرعی، چه ملکی، چه شخصی را حتماً مرجوع به انجمن محلی میدانند، و حال آنکه انجمنها باید در اصول کلیه مداخله نمایند، و آن اصول مشتمل بر خطیرنامه - مواظبت بر احراء قانون - مراقبت بر حمل مالیه بلدی - ممارست در حصول طرق صلاح و فائده عمومی - مجاهدت در استحصال امنیت و نظم - ممانعت از اختکار - مدافعت از ورود مشقات فوق العاده برای ملت میباشد، که در باب هر يك از آنها باید اصول و ابواب نوشته شود، و وظیفه انجمن جز مداخله در این اصول اصیل نیست.

(۳) در بعضی بلدان چون این اولین مرحله مشروطیت میباشد، در انجمنها بنای پارقی بازی میکنند، یعنی همین تقلد امر وکالت را آلت پیشرفت امراض خود دانسته و باین دست آویز حقوق و منافع عامه را از نظر انداخته میکنند هر چه نیاید بکنند، و اگر در همین مرحله در رفع این منقصت کاری نشود لابد از طبقه بلطقه دیگر انتقال یافته نتایج بدتر از استبداد بظهور خواهد رسانید. لذا بر مقلدین این عمل واجب

است که امراض قسانیه و دسائیس شیطانیه را در کار نیاورده گرد نفاق نگردند، و گرنه وخامت احوال آنها بدتر از استبدادیان خواهد بود -

(۴) در مملکت ما بیشتر از همه چیز در اسم و نمایش سعایت می رود، و چندان اعتنائی رسم و حقیقت نمی شود، و بر حسب طادت مخصوصه که ماها داریم فقط ظاهر بینی در این مواد میکنیم، (مانند کثرت نطق و ایراد دلائل سقیمه حبه کرسی نشاندن حریمهای خود مطلق) اهالی انجمنهای اباقی با ولایتی که حفظ حقوق جمعی را بر عهده خود قبول کرده اند، باید بایند حقیقت نه طالب ظاهر باشند، و چندان در مباحث الفاظ بیپوده که باعث تضییع حقوق است نه بچند، بلکه پس از غور در هر عمل يك طریق را که نزدیکتر بصلاح است اختیار کنند -

### بجز طویل وطنی

درد وطن سکه نزون است ندانم، بچه سان ذکر نیام بچه طرحی بسرایم و بگه شکوه بگویم و کدامین طرف خبر مجوم و ره صاحب بیوم بخدای احد قادر بی مثل و عدیلی که بود خالق این کون و مکان که هر آنگاه که من دست باین خامه و آینه بزخم رنگ ز رخ می برد و جامه همی میدرد و روح ذوق بکشد و فکر وطن کرده مرا زار و زار که نه از کثرت امراض توام سختی روشن و بی برده سرابم و نه در راه علاحتش بتوانم قلمی نند برانم جو که در هر صده حیرانی و ویرانی و بیجاری و تیه جهالت همه درمانده و افتاده - نه در خیر وطن همت و همتی و نه در منع قتل قوت و حزمی همه مانند ددانم اخوت که ندانم مودت نشناسیم ز نخوت نهراسیم گرفتار نفاقیم اسیران شقایم نه از مهر و محبت اثری مانده نه از رأفت و الفت خبری بلکه همه قالی و میدوم شده مثل وفا که بجز نام ندارد اثری مانده بجا.

وطن ای مرکز الطاف الهی که نوبی مرکز اتوار زجه رو زار و لحرابی زجه ره خوار و کبابی نه تو بودی که گلستان جهان بود خطابت اجل بود جنابت، نه تو بودی که شهبان بر در تو جنبه طاعت بنهادند و سکر بر در خدمت بکشادند، آه و دو صد آه که حدود تو بدی طالب جیبغون و دیگر ناب

سیحون ولی اکنون شده بس تنگ و مضیق که ترا ضرب  
مقل کرده و باز بچه هر قادر و بیقوه نموده است ، آ  
آه و در یفاچه شدند آنچه شیران دلاور که بیک حمله  
بیونان بتازند و علم بر سر آن خطه فرازند و چه شد پیران  
که بسر بچه عقل و خرد و علم و ادب عقده زد دل  
جمله گشایند و زمانه جنت بنمایند و چه شد آن  
هم شاهان که بیک جنبش انگشت هزاران یل جنگی  
بسالح اندر و در عرصه بیکار بر آرند و چه شد  
آن همه آسودگی و امن وامانی که ترا رشک جناب  
ساخته و غبطه هر ملك نمودی ؟؟؟

عالم اهل وطن ! جمله شاهان یکدل و یک عنق  
برآید و علاجی بدل سوخته این وطن غمزه زار  
و پریشان بنماید و ز امراض عبانی و نهانی برهاند و  
همی خشک حبت بجهانید و کیت ادب و علم برآید ،  
هان جمله عزیزان ! بخدا وقت همین است ، منافق بکمین  
است ، موافق چه غمخیز است ، فلک جمله بکین است  
الا جمله رفیقان هلا جمع شفیقان چرا این همه نرسان  
ز چه ره واله و حیران چه سبب جمله پریشان - نماید  
یکی جنبش مردانه و اصلاح امورات بسر بجهت دانش  
بنماید و کف غصه و اندوه مسائید که از دم واسف  
هیچ نمر حاصل و واصل نتوان گشت - و گر در سر  
این کار باندوه بختید و در فکر نسفتید بقین در چه  
ادبار بیفتید که از قمر روی آخر نبود فرصت اخراج ،  
ای مات ایران ! بخدا قیمت این وقت بدانید که  
مستلزم هر نعمت امنیت و مستوجب هر گونه سعادت بود  
و پایه هر منعت و رحمت شود و دافع هر نعمت و ذلت  
جو که این وهله تنگی است نه خود جای در تنگی است  
نه هم وقت دورنگی است ، رمی کوفه و تار بیک خطی  
نازک و باریک صراطی است خطرناک طریقی است  
اسفناک ، نماید یکی همت مردانه و زین راه بر از خوف  
و خطر جمله گذشته و بسر منزل مقصود بیسایند و ز  
بهران جهالت و کسالت و عطات همگی رسته و آسوده  
شده در کنف حفظ الهی سلامت و کرامت به نماید  
اقامت - بمثال مال حبه در صفحه عالم بسعادت و شرافت  
شده ممتاز و سر افراز که از یمن عدالت همه آسوده  
و محفوظ و بهر نخر و مزایا شده محفوظ  
بخوانید عزیزان بسرایید رفیقان که این بحر

طویل است ، صبیح است - نه علیل است ، کثیر است  
نه قلیل است - و هر کار دلیل است - ولیکن بود این  
لازم و واجب سکه شایان به نماید اجابت و بسازید  
الحوث و نماید مودت سکه از این خطره سنگین  
بدرستی بگذشته و بیک مرحله سلم و سلامت برسانید  
وطن را ( م - ح - د )

### اعلان

تاریخ سر جان ملک مصور که نقشه ایران  
را هم داراست بطبع اعلی ، کاغذ و خط  
خوب ، در نمبر ۱۶ و کتوریا رود - کریس  
لین ، مازگام ، بمبئی . نزد آقا میرزا محمود  
صاحب تاجر کاشانی ، و در اداره جبل المتین  
کلکته بقیمت دوازده روپیه بفروش میرسد ،  
اجرت پست بر ذمه خریدار است بهر يك  
از این دو مرکز میتواند رجوع نماید ، نقشه  
ایران نیز عاید شده بقیمت دوروپیه بفروش میرسد

### ایضاً

یومیة جبل المتین با مسلك و مشرب  
پانزده ساله خود در طهران اشاعت  
می شود ، هر کس در هندوستان طالب  
باشد در کلکته با اداره جبل المتین - و در ایران  
و سایر ممالک خارجه به ( طهران - خیابان لاله  
زار - اداره یومیة جبل المتین رجوع نماید - قیمت  
سالانه در ایران سوای طهران چهل و پنج  
قران و در ممالک خارجه معمولاً سی فرانک است  
( میکادو نامه )

میکادو نامه منظومه است در جنگ روس و ژاپون  
که بوضع شاهنامه نگاشته شده ، و دارای ۵۸ عکس های  
حقیقی میدان جنگ میباشد با کمال امتیاز بطبع رسیده  
هر کس خواستگار باشد با اداره جبل المتین کلکته رجوع  
نماید قیمت در هندوستان سه روپیه ، ایران يك تومان ،  
اجرت پست به ذمه خریدار است



ضرر رسیده، وجه قدرها وجه صرف این تعطیل ها شده و این همه سرازه های ملی تبریز و غیره از عدم وجوهات اعانه بهیچ خدمت وطنی موفق نشدند، برای قتلا، قراچه داغ و ماکو گریستن و قانع و ختم گرفتن، رحیم خان و اقبال الساطنه را نمیتراستند، اگر صندوق اعانه از اول گذاشته میشد تا حال چند مایون طلا در آن جمع بود، هزاران مسلح با خرج اعانه ملت در هر ساعت حاضر حرکت میشدند، در يك آن رحیم خان و پسرش را بگیر اعمال میسرسانند و دیگران را یارای مخالفت نمی ماند، الامان! الامان! در این مطالب نظر دقیقی تا دست خارجی دراز نشده جلوگیری کنید که نفس آخرین است

( حسین قلی جدید الاسلام )

### ایضاً

این لایحه را بعنوان مؤید الاسلام نوشتم، بعد ملاحظه شد وقت بسیار تنگ است تا در اداره جبل اللین طبع و نشر سازد، بلکه کار بناگامی بکشد، تکلیف دینی خود را دانسته که در این عنوان نسخ متعدد نوشته بتمام انجمن های ملی و ادارات جرائد هر يك نسخه ارسال شود بلکه زودتر در این مهم فرضیه لوازم حیات ملی اقدام شود، تا بحیات و شرافت ابد فایز گردند، و اگر اعتنا و اقدام باین مفتاح کل خیر نکند بنده که يك مسلمان بتکلیف فرضیه خویش عمل نموده باشم،

ای قاری این ورقه، تورا بخدای احدالصمد قسم میدهم شمه تفکر فرمائید باحول اصفهان که در غره جهل و يك انجمن نوشته بود، که تمام اهل شهر و غالب دهات محکم حجة الاسلام آقای محفی مساجحاً باسلحه جدیده با ترتیب نظام فوج فوج قریب بهفتاد هزار سواره و پیاده حاضر شدند، و تماماً جاناً و مالاً برای دفع دشمن همزمان بودند، حتی یهود و نصاری، و لکن مثل لشکر بزاد و راحله که زیاده از يك یا دو روز دوام نخواهند کرد

در حسن حرکت غیورانه آنها هیچ شك و شبهه نیست، و لکن قائد حکیم لازم دارند که راه فلاح و نجات را نشان داده بعد از آن مشغول دفاع شوند که در حین گبرودار هلاک نشوند، و آن طریقه تشکیل صندوق اعانه ملی است که هر روز مثل باران در آن صندوق

اعانه، وجه اطاه بریزد، تا بکدغه دشمنان وطن و جهال حکام ملت خبردار شوند که آن نم نم باران جمع شده مثل بکدریا در آن کشتی مراد آزادی و عزت و استقلال قوم سیر میکند، و یا مثل سیله مهند خان هائیم ظلمه و مستبدین را خراب خواهد کرد، آن زمان دست از مخالفت خواهند کشید لا محاله یکشامدی می آورم هر کس انکار کند ظالم باشد.

بهر از جنبش غیورانه اصفهان و تبریز نمیشود و لکن با صد هزار مجاهد مشق کرده مسلح مکمل اطراف شهر را صد سوار او باش شلوغ کرده هرروزه یگرایی را زده زنها را برهنه و مرد ها را قتل و دهات را غارت میکنند، و اهالی با وجود آن مشق سلاح و آعدا مثل زنان پینوا جمع شده گریه و زاری نموده بعد هم گویند، باید از حاکم یا ایالت امنیت و علاج خواست، باوجود غالباً معتقدند که این حرکات ظالمانه بامیل حکام است

اما اگر جماعت مجاهدین از اول و هله بحکام رئیس عالم بلوازم جهادیه و حکیم بمواقع بود، یکصندوق اعانه فرضی معین کرده تمام افراد ملت ایران از زن و مرد و یهود و نصاری بلکه مخالفین در باطن روزانه یا ماهانه که قرار شده در آن صندوق ولو صد دینار باشد وجه گذاشته بود، تا حال آن میالقی شده از آن وجه مقدار هزار سواره و پیاده با تمام لوازم بحدوده و توابع ایالت و نقاط لازمه حفظ تقسیم نموده و آن مجاهدین با اطمینان قلب از راحتی عیال و اطفال در حال حیات و پرستاری اطفالش بعد از عیالت در تحت نظارت انجمن ملی محلی و با اعتقاد جهاد فی سبیل الله در آت راه کشته شدن بهشتی بودن است، بین بدن و خداوند خود شاهدست که نخم اشرار و قطاع الطریق بریده و دست ظالمات را بسته تسلیم انجمن مینمودند، و اجزاء و وزراء مستبد را طاقت مخالفت نمی ماند، و دشمنان وطن از دست اندازی مأیوس میشدند، حکیم هوشیار ملاحظه کند يك تیر صادقانه عباس آقا زیاده از صد هزار مجاهد قوی کار کرد، قومیکه از این نکته بی خبر باشند امید خیر اثر آنها نیست،

پس بر صاحبان نظر لازم و واجب است که



قوم خود را بر زبان و قلمی که باشد با این مطالب و مقاصد خیر و حیات که ماده اعانه تقدی است ملتفت نماید ، زیاده از این عرض جسارت ندارم ، والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

### مکتوب از اسکندریه

غلام مدتی است که ترک وطن مقدس را گفته مع ذلک وطن را خیلی دوست و محبوب می شمارم ، خدا شاهد است شب و روز آرام ندارم و از گرفتاری وطن و از کسرت مخالفین بالکلیه مأیوس شده ام ، و هریض مفصل بدارالشورای ملی معروض داشته اعتنائی نشده ، و از آنجمله مختصرش را بشما معروض میدارم ، که هشت ماه قبل بلکه زیاده هریض نوشته که ترقی دوات ایران و ایرانیان را هیچ دولتی راضی و راضی نخواهد شد ، اولاد دوات عثمانی بنا بحسب سیاسی و رعایت مسئله خلافت ممنون نیست که دوات علیه ایران ترقی و دارائی قانون عدالت و مساوات بوده که سیصد میلیون قوس اسلام توجه شان به ایران خواهد شد ، و دولت انگلیس در داخله اش آن قدر رطایب اسلامی دارد که ترقی ایرانرا محل سیاسی شمارد و کمر مخالفت نمی تواند به ایران بیند ، چه احتمال اغتشاش داخله آن خواهد رفت و دوات مسکو همین قرار بلکه بیاعت تقفازیه و غیره اهمیت این پیشتر از انگلیس ، و دولت فرانس کذاک ، و سایر دول بنا بر مسئله تجارت اگر ایران ترقی بکند دارائی قاریک و غیره شود مال التجاره اجنبی بالکلیه معدوم خواهد شد ، پس بناء علیه عموم دول مخالف ترقی وطن عزیزمان میباشد ، آهیم مخالفین داخله ، هزاران پادشاه ، هزاران حکمران ، حکمران اکرم انجم ، ده هزاران کدخدا که ما مظلومان را اسیر زنجیر استبداد نموده و در کمال آسودهگی عیش و عشرت میفرمایند

اول کاریکه لازم است قیامین دولت و ملت اتحاد و اتفاق بهم بسته بعد مذاکره در کلیات بکنند ، و کلای دارالشورای بجزئیات مشغول گردیده و نا تمام گذاشته رفته ، نهایت در حکم امروز چه قدر ناگوار است که قناسل دولت انگلیس و مسکو در علیه بیابالی گفتگو میکنند ، از ارومیه اخبار را بمجلس شورای اعلی اطلاق میدهند ، مگر دولت ما در علیه احدی

را ندارد که به بیابالی گفتگو بکنند ، و یا از ارومیه اطلاعی کامل بهمرساند ، و بشهادت قناسل خبر بدهد ، دولت مسکو و انگلیس وطن عزیز ما را تقسیم کرده و ما بیچارگان را مثل گوسفند سر شمار در قیامین خودشان تقسیم میفرمایند ،

من که عقل شعور ندارم ولی اعتقادم بر این است که دولت انگلیس و مسکو می خواهند که قیامین دولت ایران و دولت عثمانی قننه و فساد زیاد گردیده محتاج بقرض جدید شده آنها بنا بر اعتبار قروض ملحوسه قدیم از دولت مسکو یا از انگلیس گرفته و از طرفین قوس تلف گردیده که مسکو از طرف عثمانی آسوده شده و ایران را هم در کمال سهولت بدخلواه خودشان تقسیم بکنند ، خدایا در حکم امروز مرگ در حق عموم ایرانیان عین سعادت میباشد ، خداوند مرزوق و مبسر فرماید

### پیداری اهالی چین

مجله پاریس که یکی از روزنامههای بزرگ فرانسه است مینگارد ، جنگ روس و ژاپون اثر غربی در مملکت چین پیدا نمود ، از آن واقعه روح وطن پرستی و حرکت غیورانه ملی در قوالب اهالی چین انبصات عجیبی پیدا کرده ، جنبیان پیش ازین از لوازم جنگی میترسیدند و تمدن اهالی یورپ را بنظر حقارت میدیدند ، لکن الحال عبار کاهلی و پست همی از دامن خود تکاوند و از خواب غفلت بیدار و کمر مردانگی پیمان بسته که باستعداد تمام در کشاکش حیات تمدن شرکت کنند ، در چین جماعتی تعلیم یافته هستند که مشهورند باصلاح خواهان ، در اول حکومت چین اقداماتش برخلاف این گروه بود و پیوسته در خیال اذیت آنها بود ، مگر الحال مصمم شده که برای اصلاح خواهان عمل کند ، ورنه ملک تباه میشود ، و در میان دول طماع تقسیم خواهد شد ، و یا ژاپون بر آن حکمران میگردد ،

(گانگیوای) یکی از مصالح سیاسی چین است و مطالبین بسیاری دارد که ترقی فوق العاده کرده اند ، موج افکار این جماعت وطن پرست تا حاشیه بساط ملکه چین رسیده ، دختران این شخص اصلاح خواه مذکور مصاحب ملکه چین هستند پنج سال قبل ملکه چین خواهر خود را بواسطه اینکه او با گروه اصلاح